



## استفاده از آتش بس زودگذر افغانستان

گزارش آسیا شماره 298 | 19 جولای 2018

ترجمه شده از انگلیسی

Headquarters

**International Crisis Group**

Avenue Louise 149 • 1050 Brussels, Belgium

Tel: +32 2 502 90 38 • Fax: +32 2 502 50 38

[brussels@crisisgroup.org](mailto:brussels@crisisgroup.org)

*Preventing War. Shaping Peace.*

## فهرست موضوعات

i.....	خلاصه	
1 .....	مقدمه	I.
2 .....	آتش بس چگونه رخ داد؟	II.
5 .....	شادمانیها به مناسبت خاموشی صدای تفنگ	III.
7 .....	امتناع طالبان از تمدید آتش بس	IV.
9 .....	پیامدهای آتش بس	V.
11.....	آغاز گفتگوهای صلح	VI.
15 .....	نتیجه گیری	VII.
APPENDICES		
A. Map of Afghanistan .....		17
B. About the International Crisis Group .....		18
C. Crisis Group Reports and Briefings on Asia since 2015.....		19
D. Crisis Group Board of Trustees .....		20

## یافته های اصلی

**چه چیزی تازه است؟** حکومت افغانستان، نیروهای بین المللی و طالبان همه یک آتش بس موقت را در جریان تعطیلات عیدالفطر رعایت کردند. این آتش بس در جنگ طولانی افغانستان بی سابقه بود، سبب کاهش چشم گیری در خشونت ها شد و صحنه های از سرور و شادمانی را در سراسر کشور به وجود آورد که در اغلب موارد نیروهای دولتی و طالبان در کنار هم به جشن پرداختند.

**چرا این آتش بس مهم است؟** این آتش بس ثابت کرد که رهبران هر دو جانب کنترل قابل توجهی بر نیروهای شان دارند. این نکته با توجه به این که هیچ جانب از انسجام درونی جانب مخالف مطمئن نبود، مهم است. این جشن و سرور، اشتیاقی عظیم افغان ها، به شمول برخی از رزمندگان، برای صلح را به نمایش گذاشت. هر دوی این عوامل بشارت خوبی برای یک روند صلح در آینده است.

**چه باید کرد؟** واشنگتن باید به نماینده ای اختیار بدهد تا با طالبان صحبت کند و واضح بسازد که نیروهای ایالات متحده می توانند از افغانستان خارج شوند اگر تحریک طالبان و حکومت افغانستان توافق نامه ای صلح را امضا کنند که مورد پذیرش گسترده جامعه افغانستان باشد. رهبران طالبان باید از امتناع از گفتگو با حکومت افغانستان و تعامل با کابل دست بکشند.

## خلاصه

در طول سه روز عید فطر، افغانستان شاهد یک آتش بس تاریخی از سوی طرف های اصلی این جنگ چند دهه ای و همواره خونین تر بود. کاهش شدیدی در خشونت ها حس کوتاهی از عادی بودن را برای افغان های خسته از جنگ به ارمغان آورد و موجب بزم ها و جشن هایی در سرتاسر کشور شد. این آتش بس ثابت کرد که یک حوزه قوی داخلی برای صلح وجود دارد. این آتش بس انسجام موجود در سلسله مراتب فرماندهی هم در میان نیرو های امنیتی افغان و هم در میان طالبان را آشکار کرد، زیرا رهبران واحدها، هر چند که در اغلب موارد از دستور توقف جنگ غافلگیر شده بودند، به صورت گسترده پیروی کردند. همه جوانب باید برای رفتن به سوی صلح، این گشایش را غنیمت بشمارند. رئیس جمهور غنی قبلاً به طالبان پیشنهاد گفتگو های بدون پیش شرط داده است. دولت ایالات متحده که طبق گزارش ها، اکنون آماده گفتگوی مستقیم با رهبران مخالفین مسلح است، باید نماینده با صلاحیتی برای این کار تعیین و باید به وضوح بیان کند که خروج نیرو های آمریکایی از افغانستان روی میز خواهد بود اگر که یک توافق صلح که مورد قبول گسترده جامعه افغانستان باشد، میان حکومت افغانستان و طالبان امضا شود. طالبان باید با حکومت رئیس جمهور غنی وارد گفتگو های صلح شوند.

آتش بس روز های عید منتج به کاهشی در آماتیک در خونریزی شد. دو مورد استثنای قابل توجه هم وجود داشت که هر دو حملاتی بود که شاخه دولت اسلامی (داعش) در افغانستان مسئولیت آن ها را به عهده گرفت. اما این حملات کمتر بر جشن ها تاثیر گذاشت. جنگجویان حکومت و طالب یکدیگر را در آغوش گرفتند، با هم عکس های سلفی گرفتند، با یکدیگر آواز خوانند و رقصیدند و به یکدیگر گل و هدیه دادند. آن ها همزمان با آشتی با همدیگر، هر چند که کوتاه بود، اغلب مورد استقبال شهروندانی که پرچم در دست داشتند، قرار می گرفتند. ده ها هزار افغان برای دیدار با دوستان و اقارب خود از خطوط نبرد عبور کردند. از ابراز شادمانی در شمال و سایر مناطقی که بیش از هر جای دیگری از طالبان ترس دارند، خودداری شد. اما بیشتر کشور، به خصوص مناطقی که بدترین شکل خشونت ها را متحمل شده بودند، شاهد صحنه هایی از خوشحالی و خوش بینی بودند که سال ها ناشناخته بود.

به رغم پیشنهاد رئیس جمهور غنی برای تمدید آتش بس، طالبان، جنگ را پس از عید از سر گرفتند. اما آتش بس، هر چند که عمر کوتاهی داشت، برای تلاش های آینده برای صلح آموزنده بود. فوران احساس جشن و شادمانی، عمق اشتیاق بیشتر افغان ها را برای پایان جنگ نشان داد. می توان صدای قدر دانی سربازان پیاده و فرماندهان حکومت و طالبان را برای این مدت کوتاه خالی از جنگ شنید. در هم آمیختن این سربازان و فرماندهان، بطلان این اندیشه را که این جنگ بر اساس یک شکاف ایدئولوژیکی غیر قابل عبور تعریف می شود، ثابت کرد. رایزنی های داخلی طالبان در مورد آتش بس پرده از لابی برای صلح و سازش در درون خود این تحریک برداشت.

مهم تر از آن، آتش بس نشان داد که رهبران هر دو طرف توانایی برقراری نظم را دارند. با وجود این که هیچ کدام از طرفین نیرو های شان را برای آتش بس آماده نکرده بودند، هم حکومت افغانستان، ایالات متحده و نیرو های بین المللی از یک طرف و هم طالبان از طرف دیگر انضباط قابل توجهی را به نمایش گذاشتند. هر دو جانب از بهره برداری از لحظه آسیب پذیری و حملات غافلگیر کننده خودداری ورزیدند. البته سه روز آتش بس عید با یک توافق سیاسی که در بر گیرنده سازش های عمده با دشمنان باشد، تفاوت بسیار زیادی دارد. به هر حال، انسجام هر دو طرف در جریان این آشتی، مخصوصاً در مخالفین مسلحی که اغلب چند پارچه توصیف می شوند، برای گفتگو های صلح در آینده نویدبخش است.

پیشرفت در چنین گفتگو ها مدت هاست که به بن بست رسیده است. حکومت های پی در پی افغانستان تمایل شان را برای گفتگو با رهبران مخالفین مسلح ابراز کرده اند. اخیراً، رئیس جمهور غنی گفتگو بدون هیچ پیش شرطی را پیشنهاد کرد – که با توجه به این که برخی از مقامات عالی رتبه اش به تازگی طالبان را گروه ناهمگونی از تروریست ها خوانده اند، در نوع خود گامی جسورانه بود. اما طالبان همیشه بر گفتگوی مستقیم با ایالات متحده که آن را به عنوان دشمن اصلی شان می شناسند، تاکید داشته اند. در گذشته، ایالات متحده با این نظر که طرفی در این جنگ است، مخالف بود و باور داشت که افغان ها خودشان باید اختلافات شان را حل کنند و از بحث در مورد مسأله خروج نیرو های آمریکایی از افغانستان سر باز می زد. اما به نظر می آید که این موضع گیری تغییر کرده است. اظهارات مقامات ایالات متحده، گزارش های رسانه ها و تحقیقات خود گروه بحران نشان می دهد که واشنگتن آماده است تا گام

مهم و خوشایند گفتگوی مستقیم با طالبان را بر دارد و در مورد خروج نیروهای آمریکایی بحث کند. همه طرف ها باید به این حرکت که توسط آتش بس در عید آغاز شد و این تازه ترین تحولات باور داشته باشند:

□ ایالات متحده باید یک کانال رسمی با رهبری طالبان باز کند. واشنگتن می تواند اختیاراتی به یک نماینده برای گفتگوی مستقیم با همتایان شان در دفتر سیاسی طالبان در دوحه و کابل و پایتخت های کشورهای منطقه بدهد. ایالات متحده باید مسأله خروج نیروهای آمریکایی و سایر نیروهای بین المللی را شامل گفتگو ها و همچنین اظهارات عمومی کند. ایالات متحده اما باید واضح کند که توافقی در باره ماهیت و چهارچوب زمانی برای همچون خروج بخشی از، یا مشروط بر، توافقی میان طالبان و حکومت افغانستان خواهد بود که مورد پذیرش اکثر جامعه افغانستان باشد.

□ رهبری طالبان باید گفتگو با حکومت افغانستان را بپذیرد. اگر آتش بس انسجام طالبان را نشان داد، این را نیز نشان داد که رئیس جمهور غنی بر نیروهای امنیتی که طالبان تقریباً در گیر جنگ روزانه در برابر آن ها هستند و تلفات بسیار بیشتری نسبت به نیروهای آمریکایی متحمل شده اند، کنترل دارد. رهبران طالبان همچنین باید درک کنند که هر توافقی برای خروج نیروهای بین المللی منوط به قرارداد صلح بزرگ تری است که احتمالاً در برگیرنده ترتیبات تقسیم قدرت در سطح ملی و محلی، اصلاحات در سکتور امنیتی و روند باز نویسی قانون اساسی افغانستان می باشد.

□ همه طرف ها می توانند گام هایی را برای اعتماد سازی، به شمول احتمالاً آتش بس های دیگر، تبادل زندانیان یا شفافیت بیشتر در هماهنگی میان کابل و مخالفین مسلح در ارائه خدمات اولیه به مناطق تحت کنترل طالبان بردارند. همه جوانب باید لحن محتاطانه تری را که در بیانات شان در جریان آتش درپیش گرفتند، حفظ کنند.

آتش بس عید به افغان های خسته از جنگ به شمول نظامیان نشان داده است که صلح چه با خود می آورد. این آتش بس با نشانه های دیگری نیز همزمان است. نخست، پیشنهاد رئیس جمهور غنی برای گفتگوهای غیرمشرط با طالبان و سپس نشانه هایی حاکی از تمایل واشنگتن برای گفتگوی مستقیم با رهبران طالبان و مطرح کردن مسأله خروج نیروهای بین المللی. گفتگوی مستقیم ایالات متحده و طالبان به معنای اکسیر نیست. ممکن است طالبان باز هم گفتگو با کابل را حداقل در ابتدا رد کنند و حتی اگر گفتگوهای بین الافغانی را بپذیرند، چنین گفتگوها تنها آغاز یک راه طولانی و دشوار به سمت یک توافق که مورد پذیرش همه گروه های عمده افغانستان و جامعه کلان تر افغانستان خواهد بود. اما گفتگوی مستقیم ایالات متحده با طالبان بهترین گزینه ای است برای رسیدن به آن مذاکرات و آغاز یک روند صلح که از مدت ها به تأخیر افتاده است.

کابل/بروکسل، 19 جولای 2018

## استفاده از آتش بس زودگذر افغانستان

### I. مقدمه

جنگ در افغانستان که نیروهای دولتی افغانستان و ائتلاف بین المللی به رهبری ایالات متحده را در برابر مخالفت مسلح به طور فزاینده نیرومند طالبان قرار داده است، در سال های اخیر به طور پیوسته شدت یافته است.<sup>1</sup> نیمه اول سال 2018 شاهد موج جدیدی از خشونت ها بوده است که طالبان 44 در صد از کل ولسوالی های در سراسر کشور را تحت کنترل، نفوذ خود در آورده یا برای کنترل بر آن ها جنگیده و شمار بی سابقه ای از حملات را راه اندازی کرده اند.<sup>2</sup> با وجود این، برای سه روز در ماه جون، در جریان تعطیلات عید فطر، هر دو طرف منازعه به نیروهای مربوطه شان دستور دادند که آتش را متوقف کنند. این آتش بس، که از زمان خروج طالبان از کابل در سال 2001 تاکنون بی سابقه بود، شاهد کاهش قابل ملاحظه ای در میزان خونریزی ها بود و موجب جشن های مختلف در سراسر کشور شد. این آتش بس فقط یک استراحت زود گذری بود چون که درگیری بعد از آن بلافاصله از سر گرفته شد. با وجود این، این آتش بس توانست به تلاش ها برای یافتن راه حل مسالمت آمیزی برای جنگ بی رحمانه افغانستان نیروی تازه ای ببخشد.

این گزارش به بررسی چگونگی به وجود آمدن این آتش بس، عامل ایجاد انگیزه برای مشارکت هر دو طرف در این آتش بس و اینکه چرا طالبان از ادامه آتش بس، به رغم تمدید یک جانبه آن از سوی رئیس جمهور اشرف غنی، امتناع ورزید، می پردازد. این گزارش درس هایی را از آتش بس برای تلاش هایی که دو جانب را به مذاکرات صلح ترغیب کند، اقتباس می کند و گام هایی را تعیین می کند که آن ها و به ویژه اداره دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، می توانند برای تقویت این حرکت بردارند. این گزارش بر اطلاعات به دست آمده از مشاهدات گروه بحران در جریان سفر به سه ولایت واقع در غرب و جنوب کابل در جریان تعطیلات عید و مصاحبه با مقامات دولتی افغانستان، به شمول اعضای ارشد دولت غنی، غیرنظامیان در مناطق شهری و روستایی و طیف وسیعی از منابع از داخل مخالفین مسلح استوار است.

<sup>1</sup> برای تحلیل قبلی گروه بحران از مخالفت مسلح افغانستان، به گزارش های شماره 256، *شورش افغانستان پس از روند انتقال*، 12 مارچ 2014؛ شماره 236، *افغانستان: راه طولانی و دشوار به سوی روند انتقال در سال 2014*، 8 اکتبر 2012؛ و شماره 207، *شورش در قلب سرزمین افغانستان*، 27 جون 2011 مراجعه کنید.

<sup>2</sup> برهان عثمان، "هزینه تشدید خشونت ها در افغانستان"، تبصره گروه بحران، 7 فیبروری 2018. برآوردهای نظامی ایالات متحده که از سوی بازرس ویژه برای بازسازی افغانستان (سیگار) نشر شده نشان می دهد که کنترل، اعمال نفوذ شورشیان بر ولسوالی ها یا توانایی آن ها برای مبارزه بر سر کنترل این ولسوالی ها از 28 درصد از ولسوالی ها در نوامبر 2015 به 44 درصد در اکتوبر 2017 گسترش یافته است. تحلیلگران دیگر مدعی پیشرفت های قابل توجه تر مخالفین مسلح اند. "ضمیمه گزارش ربع-وار جنوری 2018 سیگار به کنگره ایالات متحده"، 30 جنوری 2018.

## II. آتش بس چگونه رخ داد؟

از ابتدای سال 2018 تاکنون، در کنار تشدید خصومت ها، افزایش قابل ملاحظه ای در پیشنهادات صلح از سوی هر دو جانب منازعه وجود داشته است.<sup>3</sup> در اواخر ماه فیبروری، رئیس جمهور اشرف غنی به طور غیر منتظره ای مذاکرات صلح با طالبان را پیشنهاد کرد. او در کنفرانسی با شرکای عمده خارجی، بیانیه مشترکی را تصویب کرد که "آن ها به طور جمعی موافق اند که گفتگوهای مستقیم میان دولت افغانستان و طالبان – بدون کدام پیش شرط و بدون تهدید به خشونت – بادوام ترین راه برای پایان دادن به رنج مداوم مردم افغانستان را تشکیل می دهد."<sup>4</sup> اعلامیه ماه فیبروری غنی آغاز مهمی برای مذاکرات بود. این امر چرخشی را نیز در موقف نشان داد: شخصیت های عمده در دولت او در طول ماه های گذشته استدلال کرده بودند که رهبران مخالفین مسلح سختگیر تر از آن اند و طالبان چندپارچه تر از آن است که ارزش چنین آغازی را داشته باشند.<sup>5</sup>

تا جایی که مربوط به طالبان می شود، آن ها در ماه فیبروری 2018 با انتشار سه بیانیه، از جمله نامه مستقیم "به مردم آمریکا" خواستار گفتگوهای صلح شدند.<sup>6</sup> پاسخ تحریک طالبان به پیشنهاد رئیس جمهور غنی مبنی بر گفتگوهای صلح در همان ماه نیز بیانگر یک تغییر ظریف در رویکرد بود. در گذشته، طالبان هر گونه فراخوان دولت افغانستان برای گفتگوها را به سرعت رد کرده بودند. مدتهاست که طالبان تمایل خود را مبنی بر اینکه فقط با ایالات متحده، که آن را، نه دولت را، به عنوان دشمن اصلی خود قلمداد می کنند، اعلام کرده اند.<sup>7</sup> این بار، اما، رهبران مخالفین مسلح سکوت اختیار کردند. در حالی که مقامات طالبان در صحبت های خصوصی این پیشنهاد را به عنوان "هیچ چیز جدیدی نیست" نادیده گرفتند، این تحریک اما از رد علنی پیشنهاد غنی کوتاه آمد.<sup>8</sup> زمانی که رئیس جمهور پیشنهاد خود را در اواخر ماه مارچ در کنفرانسی در تاشکند پایتخت ازبکستان تکرار کرد، بسیاری از ناظران سکوت مداوم طالبان را به عنوان نشانه ای از این تفسیر کردند که تحریک طالبان برای دادن یک پاسخ مثبت به دولت سرگرم مشوره داخلی هستند.<sup>9</sup>

<sup>3</sup> برای مثال، طالبان با صدور سه بیانیه خواهان مذاکرات صلح در فیبروری شدند. الاماره، فیبروری 2018.

<sup>4</sup> "اعلامیه: روند کابل برای همکاری صلح و امنیت در افغانستان"، کابل، 28 فیبروری 2018. عبارت "بدون تهدید به خشونت" در آخرین مراحل تهیه پیش نویس اعلامیه وارد شد. معنای آن هیچگاهی روشن نشد، هر چند عبارت مشابهی در بیانیه ای از سوی گروه تماس بین المللی برای افغانستان، گروهی از تمویل کنندگان عمده، تکرار شده بود که "از طالبان افغانستان مصرانه خواست وارد گفتگوهای مستقیم صلح با حکومت افغانستان بدون کدام تأخیر، پیش شرط ها و بدون تهدید به خشونت شوند." "تبصره رئیس"، گروه تماس بین المللی، باکو، 28 جون 2018.

<sup>5</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات افغان، کابل، فیبروری 2018. دعوت های قبلی از طالبان حاوی شروطی بود که، برای مثال، از طالبان می طلبید که قانون اساسی 2004 را بپذیرند. استیو کول، ریاست اس: سی آی ای و جنگ های پنهانی آمریکا در افغانستان و پاکستان (نیویورک، 2018)، صفحات 471، 545.

<sup>6</sup> "نامه امارت اسلامی به مردم آمریکا"، الاماره، 14 فیبروری 2018؛ "بیانیه دفتر امارت اسلامی راجع به اظهارات وزارت خارجه ایالات متحده"، الاماره، 26 فیبروری 2018؛ پاسخ سخنگوی طالبان ذبیح الله مجاهد به کارشناس افغانستان بارنت روبین، "نامه ای سرگشاده به طالبان"، نیویورکر، 27 فیبروری 2018.

<sup>7</sup> مراجعه کنید به برهان عثمان، "ایالات متحده باید با طالبان در افغانستان گفت و گو کند"، نیویورک تایمز، 19 مارچ 2018. آخرین تلاش عمده در راستای یک روند صلح در سال 2016 فروپاشید زمانی که طالبان گفتگوها به میانجیگری گروه هماهنگی چهارجانبه، قالبی که مشتمل بر افغانستان، چین، پاکستان و ایالات متحده بود، را رد کردند.

<sup>8</sup> مصاحبه های گروه بحران، اعضای ارشد طالبان، مارچ 2018.

<sup>9</sup> رود نوردلند و مجیب مشعل، "سکوت نادر طالبان در باره گفتگوها به کنفرانس جدید صلح نیرو می بخشد"، نیویورک تایمز، 27 مارچ 2018. با این هم، طالبان مقالاتی را روی سایت انترنیتی رسمی خود منتشر کردند که حاکی از این بود که این تحریک به این پیشنهاد پاسخ خواهد داد و بار دیگر از اراده خود مبنی بر گفتگو نکردن با حکومت افغانستان خبر داد. "دشمنان اصلی صلح کیست؟"، الاماره، 13 مارچ 2018.

در ماه می، بر اساس گزارش ها اشرف غنی با جنرال جان نیکلسون، فرمانده نیروهای ایالات متحده و ناتو در کشور، در مورد حتی یک حرکت دراماتیک تر صحبت کردند: آتش بس یکجانبه به مناسبت عید فطر پیش رو.<sup>10</sup> به نظر می رسد بعضی از مقامات های دولتی افغانستان با ابراز ملاحظات گفتند که زمان کافی برای ارزیابی پیامدهای امنیتی این آتش بس وجود ندارد.<sup>11</sup> با وجود این، در تاریخ 7 جون، غنی به تعجب برخی از فرماندهان ارتش افغانستان، وقفه هشت روزه ای را در عملیات تهاجمی علیه طالبان در فصل جشن اعلان کرد.<sup>12</sup> نیروهای نظامی آمریکا قول دادند که به آتش بس احترام می گذارند و در عین حال عملیات شان را علیه اقلیت کوچک وابسته به دولت اسلامی (داعش) در شرق افغانستان ادامه می دهند.<sup>13</sup> دیپلمات های غربی و منطقه این ابتکار غنی، که برابر گزارش ها بازتاب دهنده ماه ها گفتگو میان کابل و متحدان خارجی اش در باره چگونگی پایان دادن به جنگ بود، را ستودند.<sup>14</sup> این مسأله فشار بیشتری روی رهبری طالبان، که توسط حرکت غنی غافلگیر شده بودند، وارد کرد تا جواب بدهد.<sup>15</sup>

مفهوم اعلام آتش بس خود طالبان برای آن ها کاملاً نا آشنا نبود. برخی از مشاوران سیاسی میان پایه طالبان آن را به مثابه یک حرکت یکجانبه پیشنهاد کرده بودند، حرکتی که تحریک طالبان می توانست برای به نمایش گذاشتن علاقه خود به صلح آغاز کند. در آن زمان رهبران مخالفین مسلح نظر دادند که آتش بس می تواند برای آن ها بیش از حد پرمخاطره باشد، به ویژه به دلیل اینکه ممکن است از آن به عنوان نتیجه فشار نظامی ایالات متحده سوء تفسیر شود یا توسط مقامات آمریکایی نمونه دیگری از "تغییر معادله به نفع خود" در افغانستان تلقی شود.<sup>16</sup>

ابتکار غنی طالبان را در مواجهه با معمای ناخوشایند تری قرار داد. دولت ها، به شمول دولت های ایران، چین و روسیه و همین طور قدرت های غربی به تمجید از این پیشنهاد آتش بس رئیس جمهور پرداختند و بعضی از این کشورها طالبان را به اقدام متقابل ترغیب کردند؛ خود افغان ها نیز به شدت از این اعلام آتش بس دولت استقبال کردند.<sup>17</sup> علاوه بر این، حرکت غنی کاملاً به موقع بود: با یکی از مهم ترین تعطیلات مذهبی کشور به نام عید فطر، دوره ای پس از روزه داری ماه رمضان زمانی که از مسلمانان خواسته می شود تا به حل اختلافات بپردازند و در این دوره طالبان در گذشته به کاهش حملات شان مبادرت ورزیده بودند. گروه کوچکی از مقامات طالبان عمل گرا بر رهبری مخالفین مسلح اعمال فشار کرد تا به آتش بس دولت پاسخ مثبت بدهد. طبق گزارش ها، استدلال آن ها مبنی بر اینکه این تحریک به تغییر تصویرش به عنوان کاملاً یک "ماشین جنگی" نیاز دارد در ریزنی های داخلی دارای وزنه بود.<sup>18</sup> آن ها همچنین این استدلال را پیش کشیدند که آتش بس موفقیت آمیزی می تواند انسجام این تحریک و توانایی رهبرانش برای اجرای یک آتش بس را به اثبات برساند.<sup>19</sup>

<sup>10</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات ارشد افغانستان و غرب، جون و جولای 2018.

<sup>11</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات افغان و دیپلمات های غربی، جون 2018.

<sup>12</sup> همان.

<sup>13</sup> گروه محلی وابسته به داعش به دولت اسلامی-ولایت خراسان موسوم است. دامنه روابط عملیاتی آن با سازمان اصلی داعش مورد اختلاف است، اما به خاطر سادگی، این گزارش به این گروه وابسته به عنوان "داعش" اشاره می کند.

<sup>14</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات ارشد افغانستان و غرب، فبروری 2018.

<sup>15</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات طالبان و دیپلمات های غربی، 2018.

<sup>16</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات طالبان، جون 2018.

<sup>17</sup> "روسیه از تحریک طالبان مصرانه می خواهد به آتش بس اعلام شده از سوی رئیس جمهور افغانستان بپیوندد"، TASS، 8 جون 2018؛ "ایران از آتش بس در افغانستان حمایت می کند"، ایرنا، 8 جون 2018؛ و "چین از آتش بس در افغانستان حمایت می کند"، پی تی آی، 8 جون 2018. مصاحبه ها و مشاهدات گروه بحران، جون 2018.

<sup>18</sup> مصاحبه ها و مشاهدات گروه بحران، 2018.

<sup>19</sup> همان.



دیگران اعتبار گرفتند. به خصوص مقامات پاکستانی بعداً مدعی شدند که آن‌ها طالبان را به آتش بس ترغیب کردند. دیپلمات‌های آمریکا این پیام را مخابره کردند که آن‌ها پاکستان را به ایفای چنین نقشی تشویق کردند.<sup>20</sup> بر اساس برخی گزارش‌ها، پاکستان توافق کرد در برابر کشتن ملا فضل الله، رهبر طالبان پاکستان، در یک حمله هوایی ایالات متحده، بر طالبان فشار بیاورد.<sup>21</sup> مقامات ارشد افغانستان ابتدا ادعاهای پاکستان را پذیرفتند، اما بعداً نتیجه گرفتند که اعلامیه طالبان برخاسته از پویایی درونی خود مخالفین مسلح بود.<sup>22</sup> طرف‌های گفتگو که با رایزنی‌های طالبان افغانستان آشنا هستند نیز ادعا می‌کنند که تصمیم به ایجاد وقفه در درگیری‌ها هیچ ارتباطی با فشار پاکستان نداشت.<sup>23</sup> در حقیقت، اظهاراتی مبنی بر اینکه نفوذ پاکستان تعیین‌کننده بود رهبری طالبان را سخت‌گیرتر می‌ساخت، زیرا آن‌ها در پی مقابله با این برداشت بودند که آن‌ها تحت نفوذ و کنترل اسلام‌آباد هستند.<sup>24</sup>

همچنین برخلاف گمان‌های اولیه، منابع طالبان بر این باورند که تصمیم آن‌ها مسبوق به رایزنی‌های گسترده با فرماندهان و نظامیان سرشناس مخالفین مسلح نبود.<sup>25</sup> طبق گزارش‌ها، رایزنی‌ها به حلقه‌ها و محافل رهبری، از جمله شماری از چهره‌های طالبان که اغلب در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نظرات اساسی می‌دهند، محدود بود. سپس رهبری طالبان با کمک اعضای ارشد مسئول روابط با رسانه‌ها به سرعت دست به کار شد تا در تاریخ 9 جون اعلامیه آتش بس خودشان را صادر کند. آتش بس طالبان باعث تعلیق عملیات‌های آن‌ها علیه نیروهای افغان برای سه روز شد. نیروهای خارجی مشمول این وقفه در عملیات نمی‌شدند، ولی حملات بر نیروهای بین‌المللی به حداقل رسید؛ طالبان مسئولیت حمله نمادین کوچکی به تاریخ 15 جون را به عهده گرفت که در آن بزرگترین پایگاه نظامی ایالات متحده در افغانستان، میدان هوایی بگرام در شمال کابل، را هدف قرار دادند.<sup>26</sup>

گزارش‌ها حاکی از آن است که بسیاری از اعضای ارشد این تحریک و همچنین فرماندهان آن در سراسر کشور وقتی از این اعلامیه اطلاع یافتند، متعجب شدند.<sup>27</sup> تعداد انگشت شماری از فرماندهان از آتش بس یا از نحوه اعلام آن شاکی شدند.<sup>28</sup> اما نگرانی‌های آن‌ها که اغلب ناشی از این عقیده فرماندهان که مخالفین مسلح در موقعیت برتری قرار دارند و لذا نیاز اندکی به مصالحه دارند یا هم به بی‌اعتمادی آن‌ها نسبت به نیت دشمن ارتباط داشت، به سرعت از سوی اجماع وسیع‌تری مرفوع گردید. گروه بحران به فایل‌های صوتی دست یافت که نشان می‌داد تعدادی از سرشناسان نظامی از جمله فرماندهان شبکه حقانی – گروهی که مسئول بعضی از خونبارترین حملات است – از آتش بس تنها پس از اعلان آن اطلاع یافتند.<sup>29</sup> اما حتی اکثریت کسانی که تکان خورده بودند اعلام حمایت کردند.<sup>30</sup> به نظر می‌رسد که اینکه رهبری طالبان آتش بس را به مثابه حرکتی برای اجازه جشن تعطیلات مذهبی تشکیل داد، این امر خطرات مخالفت صریح را به حداقل رسانده است.

<sup>20</sup> انور اقبال، "ایالات متحده، پاکستان روی آغاز روند صلح در افغانستان کار می‌کنند"، روزنامه دان (Dawn)، 9 جنون 2018.

<sup>21</sup> کشته شدن فضل الله یک پیروزی قابل توجهی برای اسلام‌آباد بود. هرچند ارتش و سازمان استخبارات پاکستان به صورت ضمنی از طالبان افغانستان حمایت می‌کنند، اما بیش از یک دهه است که با طالبان پاکستان می‌جنگند.

<sup>22</sup> مصاحبه‌های گروه بحران، مقام ارشد دولتی، جولای 2018؛ دیپلمات غربی، جون 2018.

<sup>23</sup> مصاحبه‌های گروه بحران، مقامات طالبان، جون 2018.

<sup>24</sup> مصاحبه‌های گروه بحران، اعضای طالبان واقف از روند تصمیم‌گیری، جون 2018.

<sup>25</sup> مصاحبه‌های گروه بحران، مقامات حکومت افغانستان، غربی و طالبان، کابل، جون 2018.

<sup>26</sup> توییت ذبیح الله مجاهد (@ZabihullaM4)، 15 جون 2018.

<sup>27</sup> مصاحبه‌های گروه بحران، مقامات حکومت افغانستان، غربی و طالبان، کابل، جون 2018.

<sup>28</sup> مصاحبه‌های گروه بحران، دو فرمانده طالبان، جون 2018.

<sup>29</sup> فایل‌های صوتی که گروه بحران به آن گوش داده است، جون 2018.

<sup>30</sup> فرماندهان شورشیان با ابراز تردیدهای خصوصی به شعار عمومی طالبان اشاره کردند که "همواره حکمتی پشت سر تصمیم رهبر وجود دارد" و از دستور توقف درگیری پیروی کردند. مصاحبه‌های گروه بحران، مقامات طالبان، جون 2018.

### III. شادمانی‌ها به مناسبت خاموشی صدای تفنگ

سه روز عید فطر همیشه باعث کاهش جنگ می‌شود، چون جنگجویان از میدان نبرد به خانه‌هایشان باز می‌گردند تا با خانواده‌هایشان وقت بگذرانند. اما کاهش در جنگ امسال در امانیک بود: بر اساس گزارش بعضی ناظران، حوادث امنیتی در تعطیلات عید فطر امسال در مقایسه با تعطیلات عید گذشته دو سوم کاهش یافت.<sup>31</sup> در جریان سه روز آتش بس اعلان شده از سوی طالبان، از شام 14 جون تا غروب خورشید 17 جون، این کاهش سریع‌ترین بود.<sup>32</sup> در یک تعطیلات آخر هفته عادی، افغان‌ها در سرتاسر کشور از بیش از 100 حادثه، از بمبگذاری‌ها گرفته تا ترورها و درگیری‌ها، رنج می‌برند. اما طبق گزارش‌ها، در تعطیلات عید امسال که با آخر هفته مصادف بود، تعداد این گونه حوادث تک‌رقمی بود.<sup>33</sup>

علاوه بر این، مرتکبین/عاملین متفاوت بودند. به طور متوسط در روز، جنگ میان طالبان و نیروهای طرفدار دولت بیش از 95 درصد از حوادث خشونت‌آمیز را دربر می‌گیرد. اما در جریان آتش بس، طالبان سهم چندانی در شمار حوادث به وقوع پیوسته نداشتند. گروه‌های جنایتکار و شبه نظامیان طرفدار دولت بر سر اختلافات شخصی باهم درگیر شدند. غیر نظامیان در تیر اندازی آخر رمضان مجروح شدند. به نظر می‌رسد شاخه محلی وابسته به داعش جدی‌ترین موارد نقض را مرتکب شده است. در 16 و 17 جون، بمبگذاران انتحاری با حمله بر تجمعی که آتش بس را جشن گرفته بودند، 48 نفر را کشتند. آن حملات که باعث کشته شدن طالبان و نیروهای امنیتی افغان شد این نکته را برجسته کرد که داعش هر دوی آن‌ها را به عنوان دشمن خود قلمداد می‌کند.<sup>34</sup>

اما این نوع حملات جشن شادمانی در خیابان‌های اکثر نقاط کشور را از بین نبرد. در بسیاری از مناطق جشن‌های شادمانی شامل جنگجویان طالب و سربازان افغان می‌شدند که با هم چای نوشیدند، قصه کردند و حتا در حالی که آهنگ‌های میهن دوستانه افغانستان را می‌خواندند باهم رقص‌های سنتی اجرا کردند. جمعیت پر سر و صدا و خودجوش این صحنه‌های آشتی را ستودند، هر چند که ممکن است گنرا بوده باشد. خانواده‌هایی که در اثر یک جنگ طولانی از هم جدا شده بودند، دوباره به هم پیوستند. زنان و کودکان در محافل خوشی حضور یافتند بر عکس تعطیلات عیدهای گذشته که به خاطر ترس از بمب‌گذاری‌ها، فامیل‌ها از حضور در تجمعات اجتناب می‌ورزیدند. در شرایطی که مردم می‌کوشند این پیام را به گروه‌های متخاصم منتقل کنند که افغان‌ها تا چه اندازه خواهان صلح هستند، شرکت در جشن‌های عید شکلی از فعال‌گرایی مدنی بود. افرادی فاقد هرگونه پیشینه‌ای در چنین فعالیتی حضور پیدا کردند.

چنین صحنه‌هایی به شهرها و شهرهای کوچک محدود نمی‌شد. حتا مناطقی مورد رقابت در خطوط مقدم که عمدتا به دلیل نبرد‌های جاری میان نیروهای افغان و مخالفین مسلح غیر قابل عبور بود، به مکان‌هایی برای تجلیل از تعطیلات عید برای هر دو جانب مبدل شد.<sup>35</sup> در شمال و سایر بخش‌های کشور غیر پشتون نشین که نسبت به طالبان محتاط‌ترین هستند جشن‌ها آرام‌تر بود. بعضی از شهرنشینان دارای تحصیلات بهتر به این موضوع با شک و تردید نگرین.<sup>36</sup> اما اکثر قسمت‌های افغانستان به ویژه مناطق جنگ زده غرق در شادی بودند.

یک موضوع مشترک بین هر دو طرف در جشن آتش بس، این بدگمانی بود که خارجی‌ها جنگ را شعله‌ور می‌سازند. بسیاری از سربازان و جنگجویان طالب وقتی از آن‌ها پرسیده شد که چرا با هم می‌جنگند در حالی که ظاهرا این قدر راحت با هم آشتی می‌کنند، در پاسخ یا خارجی‌ها (که منظور سربازان دولتی از آن مداخله‌گران، عمدتا

<sup>31</sup> مصاحبه‌های گروه بحران، تحلیلگران امنیتی غربی، جون 2018.

<sup>32</sup> یک تحلیلگر امنیتی این وقفه در خونریزی را "حقیقتا معجزه‌آمیز" خواند. مصاحبه گروه بحران، تحلیلگر غربی،

21 جون 2018.

<sup>33</sup> مصاحبه‌های گروه بحران، تحلیلگران امنیتی غربی، جون 2018.

<sup>34</sup> "داعش ادعا دارد که تلفات در بمبگذاری انتحاری دوم بر نیروهای طالبان و نیروهای امنیتی افغانستان در ننگرهار

در ظرف 24 ساعت 85 بوده است"، گروه اطلاعاتی سایت (SITE)، 17 جون 2018.

<sup>35</sup> این مشاهدات از سفر گروه بحران در سه ولایت غرب و جنوب کابل در جریان تعطیلات عید به دست آمده است.

این مشاهدات با گزارش‌های رسانه‌ها از جشن و مصالحه سازگار است. شبکه تحلیلگران افغانستان رویدادهای

مشابهی در حداقل هجده ولایت از 34 ولایت ذکر کرد: هلمند، قندهار، زابل، ارزگان، فراه، غزنی، پکتیا، پکتیکا،

لوگر، وردک، کابل، لغمان، ننگرهار، قندز، تخار، بغلان، فاریاب و بادغیس. کیت کلارک، "آتش بس عید: به افغان‌ها

امکان داد کشورشان را در صلح تصور کنند"، شبکه تحلیلگران افغانستان، 19 جون 2018.

<sup>36</sup> "آتش بس عید: (بعضی از) مردم چه فکر می‌کردند؟"، شبکه تحلیلگران افغانستان، 29 جون 2018.

پاکستانی ها، هستند که از طالبان حمایت می کنند) یا "آمریکایی ها" ( اصطلاحی که مخالفین مسلح نه تنها برای نیروهای ایالات متحده بلکه برای دیگر نیروهای غربی نیز به کار می برند) را مقصر می دانستند.<sup>37</sup>

همه سیاستمداران از جشن ها استقبال نکردند، هر چند فقط تعداد محدودی از چهره های برجسته این را با صدای بلند ابراز کردند. امرالله صالح، رئیس پیشین امنیت ملی افغانستان، به اولین منتقدی تبدیل شد که از "تهاجم تثبیت طالبان" و "نفوذ جمعی" آن ها هشدار داد.<sup>38</sup> از جانب مخالفین مسلح، برخی از فرماندهان و ایدئولوگ های طالبان این دوستی را به مثابه خیانت به هزاران شهید محکوم و سربازان پیاده را به دوستی بیش از حد در جریان آتش بس متهم کردند.<sup>39</sup>

این صداها، هر چند اقلیتی را تشکیل می داد، بازتاب دهنده دیدگاه های مختلف در داخل طالبان در خصوص "دشمن داخلی" آن ها، اصطلاحی که آن ها برای مشخص کردن نیروهای دولتی افغانستان به کار می برند، بود. از دید بسیاری از طالبان، سربازان افغان عمدتاً به دلیل اینکه برای سربازان خارجی در برابر حمله سپر قرار می گیرند، دشمن اند؛ به عبارت دیگر، در نبود خارجی ها در افغانستان، مصالحه امکان پذیر هست. در مقابل، مخالفین مسلح تند رو، اما، وابستگی ارتش افغانستان به دولت را دلیل کافی برای دشمنی می دانند و به همین دلیل در هم آمیختن با آن ها را به عنوان خیانت در نظر می گیرند.<sup>40</sup> اما، رویهمرفته، یک اکثریت موجود در هر دو جانب از آتش بس اعلام حمایت کردند. حتا عطا محمد نور، یک فرمانده سابق اتحاد شمال با گذشته طولانی نبرد با طالبان، اکنون یک سیاستمدار اپوزیسیون و دلال قدرت تاجیک، از این آتش بس پشتیبانی کرد و خواستار تمدید آن شد.<sup>41</sup>

<sup>37</sup> برای مثال، گروه بحران از یک جنگجوی طالبان و از یک سرباز ارتش افغانستان که در کنار یک هاموی کنار هم ایستاده بودند در باره انگیزه های شان برای جنگ، با توجه به دوستی ظاهری شان در آن لحظه، پرسید. جنگجوی طالب جواب داد: "ما نمی خواهیم با سربازان [افغانستان] بجنگیم؛ هدف مان جنگیدن با نیروهای کافر [خارجی] است، اما این سربازان به حیث سپر دشمن در برابر ما قرار می گیرند. جنگ ما علیه افغان ها نیست، بلکه علیه خارجی هاست." سرباز پاسخ داد: "همه این ها یک توطئه خارجی است که باعث می شود ما [افغان ها] باهمدیگر بجنگیم. آمریکا و پاکستان هر دو، دشمنان افغان ها هستند. ما نیز خارجی ها را در افغانستان نمی خواهیم، نه هم مداخلات پاکستان را می خواهیم. و ما هر دو موافقیم که اگر همه افغان ها برای نه گفتن به خارجی ها باهم متحد شوند، در افغانستان صلح خواهد بود." مصاحبه های گروه بحران، ولایت غزنی، جون 2018.

<sup>38</sup> توییت های امرالله صالح @AmrullahSaleh2، 7-22 جون 2018. صالح به حمله تهاجمی سال 1968 تثبیت در ویتنام، مجموعه حملات غافلگیرکننده ویتنامی های شمالی و کانگ ویت بر مواضع ویتنامی های جنوبی در جریان تعطیلات سال نو ویتنامی ها، اشاره می کرد. هشدارهای او بی اساس ثابت شد، زیرا طالبان از دسترسی صلح آمیز شان به شهرهای افغانستان در جریان آتش برای راه اندازی همچون حملات استفاده نکردند.

<sup>39</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات طالبان، جون 2018.

<sup>40</sup> مصاحبه های گروه بحران، اعضای طالبان، جون 2018.

<sup>41</sup> یادداشت های فیس بوکی @generalatmohammadnoor، جون 2018.

#### IV. امتناع طالبان از تمدید آتش بس

هرچه آتش بس به پایانش نزدیک شد، فشار بر رهبری طالبان به خاطر تمدید آن افزایش یافت. در تاریخ 16 جون، رئیس جمهور غنی مدت آتش بس دولت را طولانی تر کرد و پس از آن مشخص کرد که دوره تمدید ده روز طول خواهد کشید. غنی تداوی زخمیان طالبان و همچنین اجازه ملاقات خانوادگی به زندانیان مخالفین مسلح را پیشنهاد کرد. رهبران دیگر افغانستان، طالبان را به عمل متقابل فراخواندند در حالی که بسیاری از افغان های عادی امید دوره طولانی تری از آرامش را در دل می پروراندند و آرزومند بودند که حمایت مردمی از آتش بس عید، رهبران طالبان را به ادامه آن متقاعد خواهد کرد.<sup>42</sup> در حالی که تظاهرات کنندگان صلح از ولایت جنوبی هلمند صد ها کیلو متر مسیر ولایت شان تان تا کابل را می پیمودند، صدها نفر از طرفداران شان در مسیر راه آن ها تجمع می کردند تا ندای آن ها برای توقف خشونت را تقویت کنند.<sup>43</sup> بازیگران بین المللی، از جمله ملل متحد، خواستار حفظ آتش بس شدند.<sup>44</sup> در بخش های افغانستان، حتا طبق گزارش ها فرماندهان محلی ارشد طالبان بر رهبران خود برای تمدید آتش بس فشار آوردند.<sup>45</sup>

این التماس ها اما با گوش های ناشنوا مواجه شد. هرچند این مطالبات موجب بحث هایی در درون صفوف بلندپایه طالبان شد، در کل رهبری طالبان اما با تمدید مخالفت کرد. منابع طالبان چندین دلیل را مطرح کردند. نخست، آن ها احساس می کردند که تمدید آتش بس این تحریک را به هدف اساسی شان نزدیک تر نخواهد کرد: خروج نیروهای خارجی و ایجاد یک حکومت جدید که مطابق با معیار های حکومت اسلامی باشد.<sup>46</sup> این احساسات در میدان نبرد منعکس شد. یک فرمانده مخالفین مسلح گفت: "ما این همه سال ها بیپهوه ن جنگیده ایم. صرفا به خاطر اینکه بعضی از مردم این را مطالبه می کنند، از ادامه جهاد دست نخواهیم کشید."<sup>47</sup> او خواست ها برای تمدید آتش بس را رد کرد و آن ها را معادل درخواست برای امتیاز دهی یک جانبه از سوی طالبان بدون اقدامات متقابل از جانب دولت یا هم ایالات متحده دانست.

دوم، رهبران طالبان دوست نداشتند چنین ظاهر شوند که در برابر فشارها سرفروید می آرند. در واقع، آن ها تأکید ورزیدند که آتش بس سه روزه عید آن ها تصمیمی از جانب خود شان، نه به خاطر اعلامیه غنی، بلکه به خاطر تعطیلات مذهبی بود. پیش کشیدن ادامه آتش بس به عنوان یک حرکت به همان اندازه یک جانبه سخت تر می بود. برخی بیم داشتند که دولت های افغانستان و ایالات متحده مبدا تصمیمی از سوی طالبان مبنی بر حفظ آتش بس را نتیجه گسترش عملیات های نظامی ایالات متحده تفسیر کنند. رهبران این تحریک مصمم بودند که از چنین برداشتی جلوگیری کنند. اینکه مقامات پاکستانی ادعا کرده بودند که افتخار آتش بس طالبان به پاکستان بر میگردد، مانع بازدارنده دیگری بود، چون رهبران مخالفین مسلح پیوسته می کوشیدند هرگونه اظهاراتی مبنی بر اینکه اسلام آباد آن ها را کنترل می کند را رد کنند.<sup>48</sup>

<sup>42</sup> مصاحبه های گروه بحران، ولایت های کابل، وردک، غزنی، جون 2018.

<sup>43</sup> مجیب مشعل، "جنبش مردمی صلح در افغانستان، گام به گام، فراگیر می شود"، نیویورک تایمز، 15 جون 2018.

<sup>44</sup> برای مثال، هیئت معاونت سازمان ملل در افغانستان بیانییه هایی را در حمایت از آتش بس به تاریخ 7، 9، 14 و 16 جون صادر کرد.

<sup>45</sup> مصاحبه های گروه بحران، بزرگان قومی، ولایت های پکتیکا و پکتیا، جون 2018.

<sup>46</sup> بیش از یک دهه است طالبان یک "حکومت اسلامی" را به عنوان هدف خود تعریف کرده است، معمولاً بدون ارائه یک صورت بندی از اینکه این حکومت چگونه از جمهوری اسلامی کنونی افغانستان متفاوت خواهد بود. مطالبه آن ها مبنی بر نظامی تازه سیاسی به معنای مردود دانستن توافق نامه 2001 بن است، که یک حکومت موقت را پس از اینکه اتحاد شمال طالبان را از کابل شکست داد، نه یک نسخه پیچی خاص. برهان عثمان و اناند گوپال (Anand Gopal)، "دیدگاه های طالبان در باب دولتی آینده"، مرکز همکاری های بین المللی دانشگاه نیویورک، جولای 2016.

<sup>47</sup> مصاحبه گروه بحران، فرمانده طالبان، ولایت وردک، جون 2018. این فرمانده این استدلال را نیز پیش کشید: "همچون خواست ها [برای تمدید] اصولاً باید از آمریکایی ها شود و از آن ها خواسته شود افغانستان را ترک کنند، تا ما بتوانیم جنگ را کاملاً متوقف کنیم. اشغال آن ها دلیل جنگیدن ماست... خون هزاران شهید ریخته شد تا این کشور را آزاد کنیم و به یک حکومت اسلامی محض دست یابیم. ما نمی توانیم به آرمان آن ها [با توقف نبرد قبل از حصول آن اهداف] خیانت کنیم."

<sup>48</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات طالبان، جون 2018.

سوم، مسأله یکپارچگی طالبان بود. ادامه آتش بس – برخلاف آتش بس سه روزه – مستلزم رایزنی های فشرده تری با اعضا، به خصوص با فرماندهان مستقر در ساحه و ایدئولوگ های تندرو، بود. آن ها نگران بودند از اینکه چنین تصمیمی بدون مشورت های مناسب واکنش تنیدی در پی خواهد داشت. رایزنی ها بر سر آن نیز زمان بر خواهد بود و آن ها، حتا اگر اختلافات در نهایت از بین می رفت، با خطر از بین رفتن تصویر انسجام شان که در زمان آتش بس نشان داده شده بود رو به رو بودند. اینکه برخی از فرماندهان طالبان خواستار گسترش آتش بس شده بودند درست است. شوق و علاقه که بسیاری از جنگجویان با آن به استقبال آتش بس رفته بودند نشان می داد که آن ها نیز ممکن است طرفدار تمدید باشند. در چنین حالتی، تصمیم گیری علیه طولانی تر کردن مدت آتش بس ممکن است حامل خطر بروز اختلاف نیز بوده باشد. اما، اینکه منطقی بود یا نه، ظاهرا از دید رهبران طالبان احتمال اینکه بازگشت به جنگ باعث جدال در صفوف مخالفین مسلح شود را کمتر بود.<sup>49</sup>

چهارم، ممکن است رهبران طالبان مستقر در خارج از کشور قدرت احساسات مردمی طرفدار صلح را کاملا درک نکرده باشند، چرا که آن ها شاهد بلاواسطه آن چه که در ساحه اتفاق می افتاد، نبودند.

دلیل نهایی تصمیم رهبری احتمالا پیش پا افتاده تر بود: تمدید آتش بس ممکن بود این فرصت را به نامزدهای انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی پیش رو که قرار است در ماه اکتبر برگزار شود، بدهد تا از حوزه های انتخابیه شان در مناطق تحت کنترل طالبان باز دید کنند. این فرصت خلاف اهداف این تحریک برای مختل کردن انتخابات امسال و تسریع یک بحران سیاسی واقع می شد.<sup>50</sup>

<sup>49</sup> مصاحبه های گروه بحران، رهبران طالبان، جون 2018.

<sup>50</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات طالبان، جون 2018.

## ۷. پیامدهای آتش بس

آتش بس سه روزه برای تلاش های احتمالی آینده برای صلح آموزنده بود. شاید اساسی ترین دریافت این است که رهبری هر دو جانب بر صفوف نیروهای خود کنترل دارند و به این ترتیب (به طور عمده) به سوالات پیرامون انسجام داخلی هر دو جانب خاتمه دادند.<sup>51</sup>

اینکه رهبران طالبان قادر به اجرای یک تصمیم عمده سیاسی در سراسر این تحریک بودند، به طور ویژه قابل دقت است. البته آتش بس سه روزه در جریان تعطیلات عید با یک توافق صلح دائمی قابل مقایسه نیست. اینکه آیا طالبان قادر به اعمال اقتدار مشابهی در صورت ایجاد یک توافق که شامل سازش با بخش های دیگر از جامعه افغانستان شود هستند یا خیر، نا معلوم است؛ در واقع، به نظر می رسد تصمیم آن ها به عدم تمدید آتش بس حداقل بعضا از این نگرانی آن ها ناشی می شد که این کار مخالفت موجود در درون این تحریک را برملا خواهد کرد. با وجود این، حتا آن مقامات افغان که مدت ها اندیشه تحریک واحد طالبان را رد کرده اند اکنون اذعان می کنند که رهبران مخالفین مسلح از کنترل محکم بر منسوبین خود برخوردارند.<sup>52</sup> برخی از گروه های آپوزیسیون شمالی به عین نتیجه رسیده اند.<sup>53</sup> رئیس جمهور غنی خودش در مقاله اخیر که در نیویورک تایمز منتشر شد به همان اندازه به آن به طور ضمنی اذعان کرد.<sup>54</sup>

همان طور که مشاهده شد، فرماندهان میدان جنگ برای دستور رهبران شان آماده نبودند اما به سرعت مطابق آن عمل کردند. این سیر وقایع هم اقتدار رهبران و هم نفوذ کانال های رسمی طالبان، چه بیانیه ها منتشر شده سخنگوی روی سایت انترنیتی اصلی این تحریک چه اطلاعات فرستاده شده در واتساپ و دیگر نرم افزار های پیام رسانی، را برجسته کرد. حتا اعضای که منطق پشت این آتش بس را زیر سؤال برده بودند، به این تصمیم رهبران شان احترام گذاشتند.<sup>55</sup> شکست های قابل اغماض در فرماندهی و کنترل در درون مخالفین مسلح اتفاق افتاد – همان گونه که در میان نیروهای طرفدار دولت نیز اتفاق افتاد. اما اطاعت کلی فرماندهان و سربازان پیاده نشان می دهد که رهبری طالبان شریک قابل اعتباری در روند صلح آینده خواهد بود.

اگر آتش بس چیزهای زیادی را در باره طرفداران جنگ آشکار ساخت، جمعیت های خوشحال در شهرها و روستاها در سراسر کشور نیز نشان دهنده قوت هواداران داخلی برای صلح بود. اشتیاق برای پایان دادن به جنگ نه تنها در میان افغان های ساکن در مناطق روستایی جنگ زده و در شهرها و شهرهای کوچک که آماج حملات طالبان قرار می گیرد، مشهود بود. بلکه در میان نیروهای مسلح و صفوف مخالفین مسلح نیز هویدا بود، در حالی که جنگجویان در خطوط مقدم به همان میزان با اشتیاق به پیشواز آتش بس رفتند که غیرنظامیان.

حمایت مردمی از آتش بس یک فضای اعتماد و خویشننداری متقابل را پدید آورد که باعث شد رزمندگان هر دو طرف بتوانند – اغلب با حمل سلاح – در کنار هم جشن بگیرند. این صحنه ها دربرگیرنده رو به رو شدن های دوستانه چهره هایی بود که به خاطر میل شدید شان به خشونت یا دشمنی عمیق متقابل شان بدنامند.<sup>56</sup> هرچه باشد، هر دو طرف به دلیل اینکه به همدیگر اجازه دادند به مناطق مربوطه تحت کنترل شان با اسلحه وارد شوند درجه ای از رواداری و

<sup>51</sup> برای بحث انسجام نیروهای طرفدار حکومت، مراجعه کنید به گزارش شماره 268 آسیای گروه بحران، آینده پولیس محلی افغانستان، 4 جون 2015. در مورد طالبان، به آنتونیو گیوستوزی، "افغانستان: سازمان و ساختار طالبان"، لندن، 23 اگست 2017. گیوستوزی نتیجه گیری می کند: "تشکیلات طالبان که هیچگاهی متمرکز نبوده است از سال 2007 به بعد به طور فزاینده چندپارچه شده است." برعکس، سایر پژوهش های علمی اخیر نشان می دهد که حکومت داری طالبان بیشتر از هر زمانی منسجم تر است. به اشلی جکسون، "زندگی زیر حکومت سایه طالبان"، انستیتیوت توسعه خارجی، جون 2018 مراجعه کنید.

<sup>52</sup> مصاحبه گروه بحران، دیپلمات غربی که از مقامات ارشد دولتی نقل قول می کرد، کابل، جون 2018.

<sup>53</sup> یک مشاور ارشد جنبش ملی، یک حزب عمده سیاسی، گفت: "مهم ترین نکته در باره آتش بس این است که طالبان به گروه های کوچک تقسیم بندی نشده است. آن ها دارای یک سلسله مراتب فرماندهی قومی در سراسر کشور اند." مصاحبه گروه بحران، مقام جنبش ملی، 5 جولای 2018.

<sup>54</sup> اشرف غنی، "من با طالبان در هرجایی مذاکره خواهم کرد"، نیویورک تایمز، 27 جون 2018.

<sup>55</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات طالبان، جون 2018.

<sup>56</sup> برای مثال، طبق گزارش ها فرمانده طرفدار حکومت عزیزالله کاروان با رقیب شدید خود، فرمانده طالبان ملا مسافر، در ولایت پکتیکا نشستند و جای نوشیدند. مصاحبه های گروه بحران، جون 2018. محدودیت های خوش رفتاری پس از پایان آتش بس و کشته شدن کاروان توسط افراد مسلح برجسته شد. "فرمانده پولیس ویژه در کابل ترور شد"، طلوع نیوز، 28 جون 2018.

تقاهم را به نمایش گذاشتند که از دستورات رهبران شان فراتر بود. شاید این فوران احساس خوشی بوده است که واحدهای طالبان را از سوء استفاده از آتش بس و راه اندازی حملات در شهرها باز داشت. ممکن است همین امر مانع افسران افغان از کمین و بازداشت کردن طالبانی که موقتاً سلاح شان را پیش از ورود به شهر یا عبور از خطوط نبرد تسلیم کرده بودند، شده باشد و احتمال دارد که رهبران ضد طالبان را که آنان را تروریست های آشتی ناپذیر می بینند، متقاعد کرده باشد که از انتقاد از آتش بس خود داری کنند.

درس دیگر این است که به نظر می رسد، درک دینامیسمی که در ساحه به سرعت در حال تغییر است، برای برخی از رهبران طالبان مستقر در پاکستان دشوار باشد. در نتیجه، این خطر وجود دارد که آن ها به موضع های تندرانه شان که نه تنها با احساسات عمومی بلکه با صفوف پایین شان نیز همخوانی ندارد، پایبند بمانند. با وجود این، احتمال تجزیه این گروه محتمل به نظر نمی آید. برخی از مقامات دولتی پیشنهاد از سرگیری تلاش های - ناموفق - گذشته را برای جذب مخالفین مسلح منفرد یا فرماندهان محلی طالبان به جای پیگیری گفتگوها با رهبری طالبان ارائه کرده اند.<sup>57</sup> واضح است که وقتی جنگجویان طالب با دشمنان شان صحبت می کنند، زیاد سخت گیر نیستند. بسیاری از آنان از جنگ خسته شده اند. حتی آتش بس های محلی یا قراردادهای غیر رسمی میان رهبران مخالفین مسلح و مقامات محلی ممکن است قابل تطبیق باشد؛ در صورتی که این اقدامات بتواند از رنج های مردم بکاهد، باید مورد حمایت قرار گیرد.

اما تصور این که افزایش این گونه توافقات بتواند مخالفین مسلح را به سمت مذاکرات حرکت دهد یا این که حتی نیاز به دخیل ساختن آن ها را نادیده بگیرد و دور بزند، اشتباه خواهد بود. تحقیقات گروه بحران نشان می دهد که بیشتر سربازان پیاده و فرماندهان مخالفین مسلح حتی آن هایی که به تمدید آتش امید بسته بودند، بدون چراغ سبزی از سوی رهبران شان، احتمالاً در قالب یک توافق کلان تر، مبارزه را ترک نخواهند کرد.<sup>58</sup> در واقع، حملات طالبان از 17 جون دقیقاً همان ساعتی از سرگرفته شد که پایان آتش بس از سوی رهبری طالبان اعلان شد؛ این امر نشان دهنده توانایی رهبران طالبان در صدور مؤثر فراخوان جنگ در بیشتر قلمرو کشور است.<sup>59</sup>

آتش بس این مسأله را نیز برجسته ساخت که ایدئولوژی اصولاً عامل تحریک این جنگ نیست. رهبران طرفین و در حقیقت افرادی از بخش های مختلف جامعه چشم اندازهای مختلفی از چگونگی اداره نمودن افغانستان را دارند. اما جشن و پای کوبی های عید نشان داد که جنگ جویان به طور بالقوه به یکدیگر به عنوان افغانان و مسلمانانی که طرفدار یک کشور مقتدر و یکپارچه هستند، احترام قائلند.

آخرین درس را می توان از واکنش های فی البدیهه طرف ها در مورد پیشرفت آتش بس گرفت. هیچ کس با هیچ طرفی نمی دانست بعد از آتش بس چه اتفاقی خواهد افتاد. به خصوص در میان طالبان، به نظر می رسد که بسیاری از مخالفین مسلح تا اندازه ای از آتش بس مسرور شده و با دشمنان سابق شان برادری کرده اند به گونه ای انتظارش را نداشتند. ممکن است با آغاز یک روند صلح معتبر، چنین واکنش هایی باز هم غافلگیرکننده باشد. در واقع، حتی جنبه هایی از ایدئولوژی طالبان که اغلب راکد به نظر می آید، ممکن است تحت تاثیر این روند قرار گیرد.

<sup>57</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات افغان، جون 2018. برنامه تحکیم صلح و ادغام مجدد افغانستان آخرین تلاش عمده در مصالحه تدریجی با طالبان بود. ارزیابی نهایی جمع بندی کرد: "مشکل اصلی طراحی پروژه تحکیم صلح و ادغام مجدد با این فرض مورد مناقشه ارتباط دارد که داشتن یک برنامه ادغام مجدد بدون توافق نامه مصلح ممکن است." سیموس کلیری و دیگران (Seamus Cleary et al.)، "برنامه صلح و ادغام مجدد افغانستان: گزارش ارزیابی نهایی"، جولای 2016.

<sup>58</sup> مصاحبه های گروه بحران، جنگجویان و فرماندهان طالبان، 2017-2018.

<sup>59</sup> حملات طالبان به تدریج شدت قبل از آتش بس خود را در برخی از ولایت ها از سر گرفت؛ بر اساس یک برآورد، جون 2018 تقریباً در مقایسه با جون 2017، 70 درصد کمتر خشونت بار بود. مصاحبه های گروه بحران، تحلیلگران غربی، جولای 2018.

## VI. آغاز گفتگوهای صلح

عوامل قدرتمندی علیه صلح در افغانستان عمل می کنند. طالبان اکنون نسبت به هر زمان دیگری از سال 2001 بدین سو قلمروی بیشتری را در اختیار دارند یا برای کنترل بر آن مبارزه می کنند و حملات بیشتری را انجام می دهند که فشار بی سابقه ای بر حکومت آورده است. انتخابات پیش رو هم که برای ماه اکتبر برنامه ریزی شده است و احتمال دارد مورد منازعه واقع شود، حتا دلیل کمتری برای سازش برای تحریک طالبان باقی می گذارد. هر دو طرف به یکدیگر عمیقاً بی اعتمادند. دلالت قدرت در سراسر طیف ها در اقتصاد جنگ همسود اند.<sup>60</sup> سیاست بین المللی و منطقه ای هم باخراش تر شدن روابط ایالات متحده با روسیه، ایران و پاکستان و اوج گرفتن خصومت میان قدرت های خلیج در حال حاضر بیش از هر زمانی از سال 2001 به این سو دشوار تر شده است.

آتش بس، اما، الگو شده است. این کار اطمینان بر توانایی هر دو جانب برای متوقف کردن خصومت ها را افزایش داده است و به افغان های خسته از جنگ، به شمول جنگجویان، تصویر کوتاهی از آنچه ختم جنگ با خود خواهد آورد را نشان داد. فعالان، برخی از مقامات ارشد حکومت و حتی حلفاء هوادار طالبان، خواهان تکرار آتش بس در تعطیلات عمده بعدی، در روزهای عید الاضحی که از حدود 21 اگست آغاز می شود، هستند.<sup>61</sup> آتش بس دیگری رخ دهد یا نه، آتش بس ماه جون، اما، باید همه جوانب را به سمت تقویت مجدد تلاش ها برای ختم جنگ سوق دهد.

رئیس جمهور غنی چشم انداز جسورانه ای از چگونگی پیشبرد گفتگوهای بین الافغانی ارائه کرده است. او قول داده است که با رهبران مخالفین مسلح بدون هیچ پیش شرطی و در مکانی به خواست آن ها گفتگو کند.<sup>62</sup> حکومت افغانستان گفتگوهایی را با ایالات متحده، عربستان سعودی و امارات متحده عربی با هدف شامل کردن قدرت های خلیج در گفتگوهای آینده صلح آغاز کرده است.<sup>63</sup> با اینکه پیشنهاد های علنی غنی مسائلی که بیشتر از هر چیزی مورد علاقه طالبان است – حضور نیروهای خارجی و پیکربندی دوباره نظم سیاسی – را روی میز بحث نگذاشته است، اما مقامات غربی و افغانی در گفتگوهای خصوصی می گویند که می توان آن مسائل را نیز در گفتگوها مطرح کرد.<sup>64</sup> در واقع، وزیر خارجه ایالات متحده مایک پومپئو در سخنرانی 16 جولای خود با اعلام حمایت از پیشنهاد غنی برای گفتگوهای صلح، اشاره کرد که این گفتگو ها "به خاطر ضرورت، بحث در مورد نقش بازیگران و نیروهای بین المللی را در بر خواهد داشت".<sup>65</sup>

این گام ها نشان دهنده تغییری قابل توجه و فوق العاده مثبت است. کاری که این اقدام نمی کند از میان برداشتن مانع اصلی است: از یک سو تصمیم طالبان برای گفتگو با ایالات متحده و ابا ورزیدن از گفتگو با حکومت افغانستان؛ از سوی دیگر انکار ضمنی و اشننگتن از اینکه یک طرف منازعه است. رهبران طالبان پیشنهادهای امسال حکومت برای گفتگوها را علناً رد نکرده اند اما بر خواست خود برای گفتگوهای دوجانبه با اشننگتن به عنوان اولین گام اصرار می ورزند.<sup>66</sup>

<sup>60</sup> گزارش سیگار دریافت که تجارت مواد مخدر در موازی با افزایش منازعه گسترش یافت که به شکل گیری ائتلاف ها میان مقامات دولتی، قاچاق بران مواد مخدر و مخالفین مسلح انجامیده است. "مبارزه با مواد مخدر: درس هایی از تجربه ایالات متحده در افغانستان"، سیگار، جون 2018.

<sup>61</sup> مصاحبه های گروه بحران، مسئولان ارشد و فعالان صلح، کابل، جون، جولای 2018.

<sup>62</sup> غنی، "من با طالبان در هرجایی مذاکره خواهم کرد"، منبع مذکور.

<sup>63</sup> طبق یک مقام ارشد افغانستان، "تلاش های صلح حکومت متشکل از سه مجرا است: نخست، پلتفرم پاکستان، به شمول افغانستان، پاکستان، ایالات متحده و طالبان؛ دوم، گفت و گوهای دوجانبه با طالبان در سطوح ملی و محلی، هر چند تاکنون هیچ جانب گفتگوی معتبر مخالفین مسلح وجود ندارد؛ و سوم، یک پلتفرم منطقه ای، یا جهان اسلامی، با امارات متحده عربی، عربستان سعودی و ایالات متحده، که می تواند به انتقال طرف های گفتگو/خانواده های طالبان کمک کند و خلای اعتماد متقابل میان جوانب را پر کند." مصاحبه گروه بحران، کابل، 16 جولای 2018.

<sup>64</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات افغان و غربی، جون 2018.

<sup>65</sup> مایک پمپئو، "در باره پیشنهاد رئیس جمهور غنی مبنی بر تمدید آتش بس و مذاکرات باز"، وزارت خارجه ایالات متحده، 16 جون 2018. نشست اخیر گروه تماس بین المللی نیز خاطر نشان کرد که "گفتگوها بر اساس ضرورت شامل بحثی بر سر همه مسائل مورد مناقشه، از جمله نقش آینده بازیگران و نیروهای بین المللی خواهد شد." "تبصره رئیس"، گروه تماس بین المللی، باکو، 28 جون 2018.

<sup>66</sup> مصاحبه های گروه بحران، رهبران طالبان، 2017-2018.



یک روند معنا دار صلح، شکل نهایی هر چه که باشد، مسلماً به اقدام ایالات متحده برای شکستن این بن بست نیاز خواهد داشت. احتمالاً واشنگتن به باز کردن یک خطر رسمی ارتباط با رهبری مخالفین مسلح نیاز خواهد داشت حتی همزمان با اینکه اگر به حکومت و سایر دلایان قدرت در افغانستان از این که اقتدار و حق حاکمیت حکومت را تضعیف نخواهد کرد یا شتاب زده نیروها و منابع مالی اش را بیرون نخواهد کشید اطمینان بدهد.

پیشینه ای برای این کار وجود دارد. تماس های پشت پرده میان مقامات ایالات متحده و نمایندگان طالبان در دفتر تحریک طالبان در دوحه در سال 2013 در دور دوم ریاست جمهوری رئیس جمهور باراک اوباما آغاز شد. این تماس ها نتایجی هم به همراه داشت که از آن جمله می توان به آزادی بوو برگدال، سرباز آمریکایی که گروگان طالبان بود در عوض آزادی پنج رهبر مخالفین مسلح از گوانتانامو در ماه می 2014 اشاره کرد - که این خود نشان داد تیم دوحه به نمایندگی از رهبری طالبان صحبت می کرد و می توانست از طرف رهبری این تحریک امتیازاتی به جانب مقابل قایل شود.<sup>67</sup> اما آن گفتگوها عمدتاً به دلیل مخالفت های اساسی بر سر ماهیت و قالب شان، نتوانست به روند گسترده تر صلح مبدل شود.<sup>68</sup> در سال 2016، یک سلسله نشست های سه جانبه میان مقامات ایالات متحده و افغانستان و نمایندگان طالبان در دوحه برگزار شد که بنابر همان دلایل فوق، پیش از پیشرفت چشم گیری از هم پاشید.<sup>69</sup> طبق گزارش ها، تماس های غیر رسمی در سطوح مختلف هنوز هم ادامه دارد، اما به شکل ساختارمند یا به هدف پایان بخشیدن به جنگ نیست.<sup>70</sup>

در این روشنایی، تمایل ظاهری واشنگتن به گفتگوی مستقیم با نمایندگان طالبان که در مقاله 16 جولای 2018 نیویورک تایمز بازتاب یافته و از طریق تحقیقات خود گروه بحران تأیید شده، گام مهم و خوشایندی به جلو است.<sup>71</sup> ایالات متحده، برای اینکه بهترین فرصت برای پیشرفتن به سوی یک روند کلان تر صلح داشته باشد، باید نماینده حقیقتاً بااختیاری برای انجام گفتگوهای رسمی هرچند اکتشافی تعیین کند. این نظر چند ماهی است که از سوی مقامات ایالات متحده پیشنهاد شده که از نظر آن ها وظیفه این نماینده رفت و آمد میان کابل، طالبان و حکومت های منطقه ای باید باشد.<sup>72</sup>

این نماینده که کاخ سفید باید به وضوح نشان بدهد که از آن نمایندگی می کند باید در آغاز در باره مسایلی که در محور جنگ ایالات متحده با گروه مخالف مسلح قرار دارد با طالبان گفتگو کند.<sup>73</sup> از جانب ایالات متحده، مشکل عمده استفاده ستیزه جویان فراملی از مناطق تحت کنترل طالبان به عنوان پناهگاه های امن خواهد بود؛ از جانب طالبان، حضور

<sup>67</sup> برگ دال توسط گروه حقانی دستگیر شد، که گاهی سرسخت ترین گروه طالبان تلقی می شود، که توانایی دفتر دوحه برای رهایی زندانی ایالات متحده را حتماً مهم تر ساخت. برای مثال، مراجعه نمایید، به کول، ریاست اس، صفحه 528 مراجعه کنید.

<sup>68</sup> حامد کرزی، رئیس جمهور وقت افغانستان، اصرار کرد که گفتگوهای ایالات متحده- طالبان تنها در صورتی باید پیش برود که طالبان به مذاکرات با حکومت افغانستان متعهد شوند. طالبان این پیش شرط را در سال 2012 رد کردند. بارت رابین، "نامه ای سرکشاده به طالبان"، نیویورکر، 27 فبروری 2018.

<sup>69</sup> گریگ جاف و میسی رایان، "یک سفر برای خرید به دبی و فرصت از دست رفته برای بازداشت رئیس طالبان"، واشنگتن پست، 24 مارچ 2018. یک حمله طیاره بدون سرنشین ایالات متحده که باعث کشته شدن رهبر وقت طالبان اختر منصور شد نیز مانع گفتگوها شد. طاهر خان، "ملا منصور قرار بود به گفتگوهای صلح بپیوندد وقتی کشته شد"، اکسپرس تریبیون، 11 جولای 2016.

<sup>70</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات ایالات متحده، 2017 و 2018.

<sup>71</sup> به گزارش مجیب مشعل و اریک اشمیت، "کاخ سفید دستور گفتگوهای مستقیم با طالبان برای آغاز مذاکرات افغانستان را صادر کرد"، نیویورک تایمز، 15 جولای 2018. طبق این مقاله که از چندین مقام ارشد ایالات متحده نقل می کند، "اداره ترامپ به دیپلمات های ارشد خود گفته است که در پی گفتگوهای مستقیم با طالبان باشند... که به امید آغاز مذاکرات برای پایان بخشیدن به جنگ 17 ساله صورت می گیرد." مقامات افغان و غربی در کابل عناصری از این گزارش را در گفتگو با گروه بحران تأیید کردند. اما آن ها اظهار داشتند که حکومت افغانستان، نه مقامات در واشنگتن، مبدع این اندیشه گفتگوی مستقیم ایالات متحده با طالبان بود. مصاحبه های گروه بحران، مقامات افغان و غربی، 16 جولای 2018.

<sup>72</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات ایالات متحده، جون 2018.

<sup>73</sup> یک دیپلمات ارشد ایالات متحده که در مذاکرات گذشته با طالبان دخیل بوده است از عکس های رئیس جمهور اوباما با مارک گروسمن، نماینده ویژه ایالات متحده برای افغانستان و پاکستان در سال های 2011-2012 به عنوان ارسال این پیام به رهبران طالبان یاد می کند که گروسمن از یک خط مستقیم برای صحبت با رئیس جمهور برخوردار بود و از او نمایندگی می کرد. مصاحبه گروه بحران، مقام پیشین ایالات متحده، جولای 2018.

ایالات متحده و نیروهای ائتلاف خارجی. به عبارت دیگر، ایالات متحده باید مسأله خروج نیروها را روی میز بگذارد. اظهارات مقامات ارشد ایالات متحده، به شمول وزیر خارجه پمپئو، حاکی از آن است که این کار خارج از موضوع نیست. افزون بر این، خروج ایالات متحده، به مرور زمان، ظاهراً با تمایلات خود رئیس جمهور دونالد ترامپ همخوانی دارد.<sup>74</sup>

ایالات متحده، برای رسیدگی به نگرانی های مشروع حکومت افغانستان و متحدان داخلی آن، باید به طالبان و مردم افغانستان این پیام را بفرستد که هرگونه تفاهم در باره خروج نیروهایش فقط به عنوان بخشی از توافق نامه میان طالبان و حکومت یا بعد از دست یابی به همچون توافقی می تواند اتفاق بیفتد. در هر صورت، تا زمانی که جنگ ادامه دارد، پناهگاه های امن و فرصت ها برای ستیزه جویان فراموشی نیز ادامه خواهند داشت.

نقطه اصلی تماس - یا به عبارت طالبان، "مکان اختصاصی" شان برای مذاکرات - دفتر آن ها در دوحه است.<sup>75</sup> مقامات افغانستان و ایالات متحده گاهی اظهار ناامیدی می کنند که این دفتر از نفوذ ناکافی بر رهبری ارشد طالبان برخوردار است. اما تلاش برای دور زدن سلسله مراتب خود طالبان یک اشتباه خواهد بود که احتمالاً بدگمانی های آن ها را بر خواهد انگیزد و باعث خواهد شد که آن ها در برابر گفتگوها بیشتر مقاومت کنند. در حال حاضر، ایالات متحده باید از مجرای دفتر دوحه کار کند، مگر اینکه پیام هایی از خود رهبری طالبان مبنی بر اینکه باید از کانال های دیگری پیش رفت بیرون داده شود.

طالبان به نوبه خود نیز باید به نمایندگان خود در دوحه اختیار گفتگوها روی مسایل ماهوی را بدهند. این تحریک باید بپذیرد که در ازای گفتگوهای دوجانبه با ایالات متحده باید با حکومت افغانستان مذاکره کند. امتناع از این کار ناکامی رهبری مخالفین مسلح در توجه به درس های مهمی از آتش بس را نشان خواهد داد: اینکه کابل بر نیروهای افغانستان که به نام آن می رزمند کنترل دارد؛ و اینکه نیروهای ایالات متحده و سایر نیروهای بین المللی نیز از دستور غنی به برقراری آتش بس پیروی کردند.

همچنین طالبان باید، ولو به طور ضمنی، بپذیرند که هرگونه توافق بر سر چارچوب زمانی برای خروج نیروهای ایالات متحده باید با یک توافق وسیع تر صلح گره بخورد یا دست کم مشروط به آن باشد. احتمالاً همچون توافقی باید دربرگیرنده دست کم توافقی بر سر ترتیبات ملی و محلی تقسیم قدرت، اصلاح سکتور امنیتی و روندی برای بازنویسی قانون اساسی افغانستان باشد. در صورت رسیدن به یک راه حل، برای طالبان امکان ناپذیر نخواهد بود که حضور نیروهای اندک ایالات متحده یا دست کم حمایت ایالات متحده برای مهار کردن ستیزه جویان مخالف توافق نامه، به شمول گروه های احتمالی انشعاب یافته از طالبان و داعش، را بپذیرند.<sup>76</sup> در گفتگوهای خصوصی، رهبران طالبان اظهار می کنند که آن ها نیز ممکن است به حمایت خارجی برای کمک کردن به کشور در دست یافتن به ثبات اقتصادی و سیاسی در جریان گذار نیاز داشته باشند.<sup>77</sup>

غیرمحمتم است که گفتگوهای اولیه ایالات متحده-طالبان، که در آن واشنگتن موضوع خروج آینده نظامیان ایالات متحده را روی میز بگذارد، درمان همه دردها باشد. طالبان ممکن است گفتگوهای آینده با حکومت افغانستان را رد بکنند به این امید که صرفاً با ایالات متحده یا گروه های نامتجانس افغان در نواحی های طرفدار دولت تعامل کنند. این خطر نیز وجود دارد که یک اقدام از سوی ایالات متحده باعث خواهد شد که تخریب گران در هر دو جانب حملات وسیع و نمایشی، تظاهرات های خیابانی یا سایر اقداماتی که مانع گفتگوها خواهد شد، به راه بیندازند.

با وجود این، گفتگوهای مستقیم ایالات متحده-طالبان آخرین فرصت برای شکستن این بُن بست است. بر علاوه، همچون گفتگوها می تواند مزایایی در پی داشته باشد، حتا اگر طالبان در آغاز گفتگوهای بین الافغانی را رد کنند. ایجاد یک خطر رسمی ارتباطات با رهبران مخالفین مسلح از سوی ایالات متحده و روی میز گذاشتن خروج نیروهایش می تواند

<sup>74</sup> ترامپ گفته است که "غریزه اولیه اش خروج بود." سخنرانی رئیس جمهور ترامپ در باره استراتژی در افغانستان و جنوب آسیا، کاخ سفید، 21 اگست 2017. طبق گزارش ها، ترامپ در ماه های اخیر، در شرف بازبینی جاری میان سازمانی ایالات متحده، "نشانه هایی از نوبدی" از وضعیت در افغانستان از خود بروز داده است. ادريس على و جاناثان لاندی (Jonathan Landay)، "پس از یک سال دلسردکننده، بازبینی کارشناسانه استراتژی افغانستان توسط مقامات ایالات متحده"، رویترز، 10 جولای 2018.

<sup>75</sup> هیبت الله آخندزاده، "پیام مبارکی به مناسب عیدالفطر"، الاماره، 12 جون 2018.

<sup>76</sup> مصاحبه های گروه بحران، اعضای طالبان، جنوری- جون 2018.

<sup>77</sup> همان.

دست عناصری در داخل طالبان که تمایل بیشتری به صلح دارند را تقویت کند. این کار می تواند ادعاهای طالبان تندرو مبنی بر اینکه در حال نبرد با یک دشمن خارجی کینه توز که می خواهد برای همیشه افغانستان را در اشغال خود داشته باشد، را تضعیف کند. درحالی که برخی از مخالفین مسلح ممکن است اعلان ایالات متحده مبنی بر اینکه نیروهایش را خارج خواهد کرد نشانه ای از اینکه ایالات متحده خسته شده و در نتیجه دلیلی برای ادامه جنگ ببینند، این توضیح و اشنگتن که خروج نیروهایش بر توافق وسیع تری منوط خواهد بود همچون ادراکات را مهار خواهد کرد.

اطمینان دادن به قدرت های منطقه ای از نیت و اشنگتن مبنی بر خروج نیز مفید خواهد بود. درحالی که بسیاری از خروج ناگهانی ایالات متحده هراس دارند، هیچ کسی یک حضور دایمی را نمی خواهد. واضح ساختن این نکته که خروج نیروهای ایالات متحده مطمئناً اتفاق خواهد افتاد باعث تضعیف یک دلیل همسایگان برای حمایت از مخالفین مسلح به امید جلوگیری از باقیماندن ایالات متحده خواهد شد. در نهایت، فرستادن این پیام که تعهد نیروهای ایالات متحده ناتمام نیست ممکن است گروه های ضد طالبان را به ترسیم آینده ای که شامل تقسیم قدرت با مخالفین مسلح شود وادارد. بر علاوه، برای ایالات متحده، هزینه اختیار دادن به یک نماینده و واضح ساختن این موضوع که خروج نهایی سربازان روی میز است حداقل خواهد بود. عملیات های افغانستان و ایالات متحده علیه مخالفین مسلح به سرعت ادامه خواهد داشت هر چند احتمالاً بر اساس چگونگی پیشرفت گفتگوها تنظیم خواهد شد.

همه جوانب می توانند گام هایی را برای اعتماد سازی در این زمینه بردارند. این گام ها باید برای مثال شامل آتش بس های بیشتر شود یا می تواند مربوط به آزادی زندانیان یا ارائه خدمات اساسی شود. برای مثال، در برابر آزادی سربازان اسیر افغانستان توسط طالبان در جریان عید، حکومت می تواند به آزاد کردن زندانیان بیشتر مخالفین مسلح فکر کند؛ سپس طالبان باید با آزاد کردن بازداشت شدگان بیشتر به اقدام متقابل مبادرت ورزند. رهبران مخالفین مسلح نیز ممکن است در باره همکاری با حکومت و نهادهای امدادسانی که سرگرم اجرای برنامه های صحنی و آموزشی و ارائه سایر کمک ها به ولسوالی های روستایی تحت کنترل شان هستند، موضع شفاف تر بگیرند؛ و حکومت می تواند از مذاکرات روزانه که قبلاً میان طالبان، مقامات افغان و امدادگران غیردولتی بر اساس این اصول اتفاق افتاده است، رسماً حمایت کند (همچون یک گامی باعث نخواهد شد که یک طرف از ادعاهای ارضی خود دست بکشد).<sup>78</sup> مذاکرات میان حکومت افغانستان و طالبان نباید مشروط به همچون گام هایی باشد. اما آتش بس عید باعث شکل گیری فضایی برای تدابیر می شود که می تواند باعث ترویج فضای همکاری میان دو جانب باشد.

هر دو جانب باید در باره پاره ای از بیانات خود تجدید نظر کنند. طالبان باید دیگر از سرنگون کردن حکومت از طریق زور سخن نگویند؛ حکومت باید معرفی مخالفین مسلح به عنوان گروه های ناهمگونی از تروریست ها را محدود کند. ایالات متحده باید از حرکت های مثبت، هر چند کوچک، که از سوی طالبان انجام شده قدر دانی کند. اظهارات وزیر خارجه پمپئو به تاریخ 16 جون گامی در مسیر درستی بود: "اگر افغان ها می توانند کنار هم نماز بخوانند، رهبران شان می توانند باهم دیگر گفتگو و اختلافات شان را حل کنند."<sup>79</sup>

<sup>78</sup> کمک دهندگان نیز می توانند محدودیت های وضع شده بر برنامه ها در مناطق تحت کنترل طالبان را کاهش بدهند. رساندن کمک به مناطق روستایی افغانستان اغلب مستلزم مذاکرات با طالبان است اما این گفتگوها پنهان باقی می ماند زیرا کمک دهندگان در مورد به رسمیت شناختن دامنه کنترل مخالفین مسلح دو دل اند. برای مثال، به گزارش جکسون، "زندگی تحت حکومت سایه طالبان"، صفحه 28 مراجعه کنید: "درحالی که مکاتب و درمانگاه ها ممکن است زمینه مفیدی است برای اعتمادی سازی و حتاً برای در نهایت گشودن راهی به گفتگوهای صلح، هر قدر که طالبان پذیرای گفتگو در باره مسایل بشردوستانه و توسعه ای باشند، کمک دهندگان، سازمان ملل و سازمان های غیردولتی نسبت به این تعامل مرددند و از این نگرانند که مبادا به طالبان مشروعیت ببخشند یا با مجازات های قانونی یا مالی مواجه شوند."

<sup>79</sup> مایک پمپئو، "در باره پیشنهاد رئیس جمهور غنی مبنی بر تمدید آتش بس و آغاز مذاکرات"، وزارت خارجه ایالات متحده، 16 جون 2018. آتش بس ماه جون ممکن است فضا را برای حتاً حرکات جسورانه تر باز کرده باشد. خارج از دایره ممکنات نیست که طالبان برای مثال با موافقت کنند که حمله بر شهرهای عمده را در برابر توقف حملات هوایی متوقف کنند، هر چند هیچ کدام از دو جانب همچون علاقه جدی به این فکر نشان نداده است. مصاحبه های گروه بحران، مقامات طالبان و افغان، جون 2018.

## VII. نتیجه گیری

با وجود موانع زیادی که بر سر راه صلح در افغانستان وجود دارد، در یک و نیم دهه گذشته، طرف های درگیر منازعه به گفتگوهای هدفمند نزدیک تر شده اند. ایالات متحده در سال 2001 رهبران طالبان را از نظم سیاسی افغانستان در زمانی که بنیادهای آن را در کنفرانس بن می گذاشت، حذف کرد.<sup>80</sup> نسل های بعدی از مقامات آمریکایی این موضع گیری را با اعطای امتیازاتی از قبیل این که اگر طالبان سابق تسلیم شوند، از تعقیب قضایی مصئون خواهند ماند، سپس با پیشنهاد مذاکره با پیش شرط هایی مثل تعهد طالبان به خلع سلاح شدن و پذیرفتن قانون اساسی تلطیف کردند.<sup>81</sup> رئیس جمهور اوباما به جای تعیین پیش شرط هایی برای آنان، به سمت توجه به نتیجه گفتگوها تغییر جهت داد. اما به رغم تعیین تاریخ خروج بیشتر نیروهای آمریکایی، به گفتگو با طالبان در مورد کاهش نیروهای شان آمادگی نشان نداد.<sup>82</sup> اظهارات مقامات آمریکایی و افغانی از ماه جون 2018 تاکنون و همچنین گزارش های رسانه ها از اواسط ماه جولای بدین سو نشان می دهد که ممکن است اداره رئیس جمهور ترامپ آماده دست برداشتن از این شرایط و همچنین باز کردن یک کانال رسمی با مخالفین مسلح باشد.<sup>83</sup>

موضع گیری حکومت افغانستان نیز در این مدت تغییر کرده است. حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین اغلب مانع گفتگوهای مستقیم میان آمریکا و طالبان می شد.<sup>84</sup> رئیس جمهور غنی اما در ابتدا این جنگ را یک مسأله دو جانبه میان افغانستان و پاکستان صورت بندی کرد و زمانی که تلاش های اولیه اش برای ایجاد روابط حسنه با اسلام آباد با شکست مواجه شد، اعضای حکومتش روند صلح سازی را رها کردند. در سال 2017، آن مقامات این جنگ را یک مبارزه نسلی علیه سنیزه جویانی توصیف کردند که به اندازه ای رادیکال شده اند که هرگز صلح نخواهند کرد و به اندازه ای چندپارچه هستند که رهبری شان نمی تواند روی پایان دادن به خشونت سازش کند.<sup>85</sup> این موضع گیری نسخه ای برای خونریزی بی پایان بود و به همین دلیل غنی حق داشت که در آغاز سال 2018 با پیشنهاد گفتگو های بدون پیش شرط و همچنین آتش بس یک جانبه اش، راه متفاوتی را در پیش بگیرد.

اینکه طالبان آتش بس را، حتا اگر برای سه روز، پذیرفتند، نشان دهنده تغییراتی در رهبری پر ابهام مخالفین مسلح و حضور یک گروه لابی گر برای مصالحه در صفوف این تحریک است. تصور این تفکر پشت صحنه که در این مقاله شرح داده شده، در سال های قبل سخت بود. با وجود این، اشتیاق به صلح در میان فرماندهان خط مقدم طالبان که در گذشته سرسخت تر از رهبران شان پنداشته می شدند، شگفت آورتر است. حتی برخی از میان طالبان چنین گمانه زنی می کنند که یک قرارداد صلح در آینده نهادهای فعلی افغانستان، از جمله سکتور امنیتی، را البته پس از اصلاحات قابل توجه و جذب طالبان مسلح در نیروهای امنیتی، تا حد زیادی دست نخورده باقی خواهد گذاشت.<sup>86</sup>

اگر تمامی طرف ها هم برای انجام گفتگوهای واقعی بر سر صلح به یکدیگر نزدیک تر می شدند، باز هم یک شکاف باقی می ماند. ممکن است گفتگوهای مستقیم میان آمریکا و طالبان منتج به موافقت فوری مخالفین مسلح بر ای گفتگو با حکومت افغانستان که از سوی آن ها دست نشانده قدرت های خارجی تعریف شده است، نشود. هنوز هم بسیاری از مخالفین مسلح باور دارند که می توانند این جنگ را با گفتگو با ایالات متحده، به تنهایی، به پایان برسانند، که البته مقاومت با این نظر ممکن است زمان گیر باشد.<sup>87</sup>

<sup>80</sup> جان بو و دیگران (John Bew et al.)، "گفتگو با طالبان: امید در تاریخ؟" مرکز بین المللی مطالعات رادیکالیزاسیون و خشونت سیاسی، 2013، صفحه 6.

<sup>81</sup> سفیر پیشین ایالات متحده به افغانستان زلمی خلیلزاد در سال 2004 اعلان کرد که ایالات متحده فقط مصالحه با عناصر "غیرجنابیکار" طالبان را قبول خواهد کرد که اگر از خشونت دست بکشند، دستگیر نخواهند شد. همان. صفحه 23.

<sup>82</sup> کول، منبع فوق الذکر، صفحه 471.

<sup>83</sup> پمپئو، منبع فوق الذکر؛ گروه تماس بین المللی، منبع فوق الذکر.

<sup>84</sup> فیلیکس کوهن (Felix Kuehn)، "تاریخ جنگ و صلح طالبان در افغانستان"، اکورد (Accord)، شماره 27، جون 2018.

<sup>85</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات افغان و غربی، 2018.

<sup>86</sup> مشاهدات و مصاحبه های گروه بحران، جون 2018.

<sup>87</sup> مصاحبه های گروه بحران، مقامات طالبان، جون 2018.

علاوه بر این، حتی اگر قرار بود که گفتگوهای بین الافغانی هم آغاز شود، ایجاد توافق میان گروه های مسلح و جامعه افغانستان به صورت کل بر سر تقسیم قدرت و منابع و همچنین توافق بر سر نظامی جدید سیاست فوق العاده دشوار خواهد بود. گردهم آوردن هم زمان کشورهای همسایه و سایر قدرت های مربوط در حالی که میان شان – و میان برخی از آن ها و ایالات متحده – تضادهای حادی وجود دارد، موانع جدیدی را به وجود خواهد آورد. در واقع معلوم نیست که آیا رسیدن به چنین توافقی در یک کنفرانس مشابه با بن ممکن خواهد بود یا در عوض به اقدامات تدریجی بیشتری نیازمند است.<sup>88</sup> مسلماً، هر دو جانب حامی یا مخالف حکومت باید به دقت تصمیم بگیرند که نماینده شان در مذاکرات صلح چه کسی خواهد بود. از هر دو طرف باید نمایندگی فراگیر از جمله از گروه های تندروی که ممکن است در غیر آن صورت بازی را خراب کنند، وجود داشته باشد.

اما در حال حاضر چالش فوری رسیدن به یک روند صلح است. اقدام ایالات متحده و پیشنهاد گفتگوی رسمی و احتمالاً کنجکاوانه با مخالفین مسلح بهترین گزینه برای این کار است. صحنه های خارق العاده جشن سرور ناشی از آتش بس روزهای عید باعث می شود که این، لحظه فرخنده و خجسته ای برای همچون حرکتی باشد.

کابل/بروکسل، 19 جولای 2018

<sup>88</sup> کارشناسان اخیراً همچون یک روند تدریجی را پیشنهاد کردند. انا لارسون و الکسندر رامس بوتام (Alexandar Ramsbotham)، "صلح تدریجی برای افغانستان"، اکورد، شماره 27، جون 2018.

## Appendix A: Map of Afghanistan



## Appendix B: About the International Crisis Group

The International Crisis Group (Crisis Group) is an independent, non-profit, non-governmental organisation, with some 120 staff members on five continents, working through field-based analysis and high-level advocacy to prevent and resolve deadly conflict.

Crisis Group's approach is grounded in field research. Teams of political analysts are located within or close by countries or regions at risk of outbreak, escalation or recurrence of violent conflict. Based on information and assessments from the field, it produces analytical reports containing practical recommendations targeted at key international, regional and national decision-takers. Crisis Group also publishes *CrisisWatch*, a monthly early-warning bulletin, providing a succinct regular update on the state of play in up to 70 situations of conflict or potential conflict around the world.

Crisis Group's reports are distributed widely by email and made available simultaneously on its website, [www.crisisgroup.org](http://www.crisisgroup.org). Crisis Group works closely with governments and those who influence them, including the media, to highlight its crisis analyses and to generate support for its policy prescriptions.

The Crisis Group Board of Trustees – which includes prominent figures from the fields of politics, diplomacy, business and the media – is directly involved in helping to bring the reports and recommendations to the attention of senior policymakers around the world. Crisis Group is chaired by former UN Deputy Secretary-General and Administrator of the United Nations Development Programme (UNDP), Lord (Mark) Malloch-Brown.

Crisis Group's President & CEO, Robert Malley, took up the post on 1 January 2018. Malley was formerly Crisis Group's Middle East and North Africa Program Director and most recently was a Special Assistant to former U.S. President Barack Obama as well as Senior Adviser to the President for the Counter-ISIL Campaign, and White House Coordinator for the Middle East, North Africa and the Gulf region. Previously, he served as President Bill Clinton's Special Assistant for Israeli-Palestinian Affairs.

Crisis Group's international headquarters is in Brussels, and the organisation has offices in seven other locations: Bogotá, Dakar, Istanbul, Nairobi, London, New York, and Washington, DC. It has presences in the following locations: Abuja, Algiers, Bangkok, Beirut, Caracas, Gaza City, Guatemala City, Hong Kong, Jerusalem, Johannesburg, Juba, Mexico City, New Delhi, Rabat, Tbilisi, Toronto, Tripoli, Tunis, and Yangon.

Crisis Group receives financial support from a wide range of governments, foundations, and private sources. Currently Crisis Group holds relationships with the following governmental departments and agencies: Australian Department of Foreign Affairs and Trade, Austrian Development Agency, Danish Ministry of Foreign Affairs, Dutch Ministry of Foreign Affairs, European Union Instrument contributing to Stability and Peace, European Commission, Directorate General for Neighbourhood Enlargement Negotiations, Finnish Ministry for Foreign Affairs, French Development Agency, French Ministry of Europe and Foreign Affairs, Irish Aid, Japan International Cooperation Agency, Principality of Liechtenstein, Luxembourg Ministry of Foreign Affairs, New Zealand Ministry of Foreign Affairs and Trade, Norwegian Ministry of Foreign Affairs, Swedish Ministry of Foreign Affairs, and the Swiss Federal Department of Foreign Affairs.

Crisis Group also holds relationships with the following foundations: Carnegie Corporation of New York, Heinrich Böll Stiftung, Henry Luce Foundation, John D. and Catherine T. MacArthur Foundation, Konrad Adenauer Stiftung, Korea Foundation, Oak Foundation, Omidyar Network Fund, Open Society Foundations, Ploughshares Fund, Robert Bosch Stiftung, Rockefeller Brothers Fund, and Wellspring Philanthropic Fund.

**July 2018**

## Appendix C: Reports and Briefings on Asia since 2015

### Special Reports

*Exploiting Disorder: al-Qaeda and the Islamic State*, Special Report N°1, 14 March 2016 (also available in Arabic and French).

*Seizing the Moment: From Early Warning to Early Action*, Special Report N°2, 22 June 2016.

*Counter-terrorism Pitfalls: What the U.S. Fight against ISIS and al-Qaeda Should Avoid*, Special Report N°3, 22 March 2017.

### North East Asia

*Stirring up the South China Sea (III): A Fleeting Opportunity for Calm*, Asia Report N°267, 7 May 2015 (also available in Chinese).

*North Korea: Beyond the Six-Party Talks*, Asia Report N°269, 16 June 2015.

*Stirring up the South China Sea (IV): Oil in Troubled Waters*, Asia Report N°275, 26 January 2016 (also available in Chinese).

*East China Sea: Preventing Clashes from Becoming Crises*, Asia Report N°280, 30 June 2016.

*China's Foreign Policy Experiment in South Sudan*, Asia Report N°288, 10 July 2017 (also available in Chinese).

*The Korean Peninsula Crisis (I): In the Line of Fire and Fury*, Asia Report N°293, 23 January 2018 (also available in Chinese).

*The Korean Peninsula Crisis (II): From Fire and Fury to Freeze-for-Freeze*, Asia Report N°294, 23 January 2018 (also available in Chinese).

### South Asia

*Mapping Bangladesh's Political Crisis*, Asia Report N°264, 9 February 2015.

*Women, Violence and Conflict in Pakistan*, Asia Report N°265, 8 April 2015.

*The Future of the Afghan Local Police*, Asia Report N°268, 4 June 2015.

*Revisiting Counter-terrorism Strategies in Pakistan: Opportunities and Pitfalls*, Asia Report N°271, 22 July 2015.

*Sri Lanka Between Elections*, Asia Report N°272, 12 August 2015.

*Winning the War on Polio in Pakistan*, Asia Report N°273, 23 October 2015.

*Nepal's Divisive New Constitution: An Existential Crisis*, Asia Report N°276, 4 April 2016.

*Political Conflict, Extremism and Criminal Justice in Bangladesh*, Asia Report N°277, 11 April 2016.

*Sri Lanka: Jumpstarting the Reform Process*, Asia Report N°278, 18 May 2016.

*Pakistan's Jihadist Heartland: Southern Punjab*, Asia Report N°279, 30 May 2016.

*Pakistan: Stoking the Fire in Karachi*, Asia Report N°284, 15 February 2017.

*Afghanistan: The Future of the National Unity Government*, Asia Report N°285, 10 April 2017.

*Sri Lanka's Transition to Nowhere*, Asia Report N°286, 16 May 2017.

*Sri Lanka's Conflict-Affected Women: Dealing with the Legacy of War*, Asia Report N°289, 28 July 2017.

*Countering Jihadist Militancy in Bangladesh*, Asia Report N°295, 28 February 2018.

*China-Pakistan Economic Corridor: Opportunities and Risks*, Asia Report N°297, 29 June 2018.

### South East Asia

*Myanmar's Electoral Landscape*, Asia Report N°266, 28 April 2015 (also available in Burmese).

*Southern Thailand: Dialogue in Doubt*, Asia Report N°270, 8 July 2015.

*Myanmar's Peace Process: A Nationwide Ceasefire Remains Elusive*, Asia Briefing N°146, 16 September 2015 (also available in Burmese).

*The Myanmar Elections: Results and Implications*, Asia Briefing N°147, 9 December 2015 (also available in Burmese).

*Thailand's Lengthening Roadmap to Elections*, Asia Report N°274, 10 December 2015.

*The Philippines: Renewing Prospects for Peace in Mindanao*, Asia Report N°281, 6 July 2016.

*Myanmar's New Government: Finding Its Feet?*, Asia Report N°282, 29 July 2016 (also available in Burmese).

*Southern Thailand's Peace Dialogue: No Traction*, Asia Briefing N°148, 21 September 2016.

*Myanmar's Peace Process: Getting to a Political Dialogue*, Asia Briefing N°149, 19 October 2016 (also available in Burmese).

*Myanmar: A New Muslim Insurgency in Rakhine State*, Asia Report N°283, 15 December 2016 (also available in Burmese).

*Building Critical Mass for Peace in Myanmar*, Asia Report N°287, 29 June 2017 (also available in Burmese).

*Buddhism and State Power in Myanmar*, Asia Report N°290, 5 September 2017 (also available in Burmese).

*Jihadism in Southern Thailand: A Phantom Menace*, Asia Report N°291, 8 November 2017 (also available in Thai and Malay).

*Myanmar's Rohingya Crisis Enters a Dangerous New Phase*, Asia Report N°292, 7 December 2017 (also available in Burmese).

*The Long Haul Ahead for Myanmar's Rohingya Refugee Crisis*, Asia Report N°296, 16 May 2018 (also available in Burmese).



## Appendix D: International Crisis Group Board of Trustees

### CHAIR

#### Lord (Mark) Malloch-Brown

Former UN Deputy Secretary-General and Administrator of the United Nations Development Programme

### PRESIDENT & CEO

#### Robert Malley

Former White House Coordinator for the Middle East, North Africa and the Gulf region

### OTHER TRUSTEES

#### Fola Adeola

Founder and Chairman, FATE Foundation

#### Hushang Ansary

Chairman, Parman Capital Group LLC; Former Iranian Ambassador to the U.S. and Minister of Finance and Economic Affairs

#### Carl Bildt

Former Prime Minister and Foreign Minister of Sweden

#### Emma Bonino

Former Foreign Minister of Italy and European Commissioner for Humanitarian Aid

#### Cheryl Carolus

Former South African High Commissioner to the UK and Secretary General of the African National Congress (ANC)

#### Maria Livanos Cattau

Former Secretary General of the International Chamber of Commerce

#### Wesley Clark

Former NATO Supreme Allied Commander

#### Nathalie Delapalme

Executive Director and Board Member at the Mo Ibrahim Foundation

#### Alexander Downer

Former Minister of Foreign Affairs and High Commissioner to the United Kingdom of Australia

#### Sigmar Gabriel

Former Minister of Foreign Affairs and Vice Chancellor of Germany

#### Robert Fadel

Former Member of Parliament in Lebanon; Owner and Board Member of the ABC Group

#### Frank Giustra

President & CEO, Fiore Group

#### Hu Shuli

Editor-in-chief of Caixin Media; Professor at Sun Yat-sen University

#### Mo Ibrahim

Founder and Chair, Mo Ibrahim Foundation; Founder, Celtel International

#### Ellen Johnson Sirleaf

Former President of Liberia

#### Yoriko Kawaguchi

Former Foreign Minister of Japan; former Environment Minister

#### Wadah Khanfar

Co-Founder, Al Sharq Forum; former Director General, Al Jazeera Network

#### Nasser al-Kidwa

Chairman of the Yasser Arafat Foundation; Former UN Deputy Mediator on Syria

#### Andrey Kortunov

Director General of the Russian International Affairs Council

#### Ivan Krastev

Chairman of the Centre for Liberal Strategies (Sofia); Founding Board Member of European Council on Foreign Relations

#### Ramtame Lamamra

Former Minister of Foreign Affairs of Algeria; Former Commissioner for Peace and Security, African Union

#### Tzipi Livni

Former Foreign Minister and Vice Prime Minister of Israel

#### Helge Lund

Former Chief Executive BG Group (UK) and Statoil (Norway)

#### Shivshankar Menon

Former Foreign Secretary of India; former National Security Adviser

#### Naz Modirzadeh

Director of the Harvard Law School Program on International Law and Armed Conflict

#### Saad Mohseni

Chairman and CEO of MOBY Group

#### Marty Natalegawa

Former Minister of Foreign Affairs of Indonesia, Permanent Representative to the UN, and Ambassador to the UK

#### Ayo Obe

Chair of the Board of the Gorée Institute (Senegal); Legal Practitioner (Nigeria)

#### Thomas R. Pickering

Former U.S. Under Secretary of State and Ambassador to the UN, Russia, India, Israel, Jordan, El Salvador and Nigeria

#### Ahmed Rashid

Author and Foreign Policy Journalist, Pakistan

#### Wendy Sherman

Former U.S. Under Secretary of State for Political Affairs and Lead Negotiator for the Iran Nuclear Deal

#### Alexander Soros

Deputy Chair of the Global Board, Open Society Foundations

#### George Soros

Founder, Open Society Foundations and Chair, Soros Fund Management

#### Pär Stenbäck

Former Minister of Foreign Affairs and of Education, Finland; Chairman of the European Cultural Parliament

#### Jonas Gahr Støre

Leader of the Labour Party and Labour Party Parliamentary Group; former Foreign Minister of Norway

#### Jake Sullivan

Former Director of Policy Planning at the U.S. Department of State, Deputy Assistant to President Obama, and National Security Advisor to Vice President Biden

#### Lawrence H. Summers

Former Director of the U.S. National Economic Council and Secretary of the U.S. Treasury; President Emeritus of Harvard University

#### Helle Thorning-Schmidt

CEO of Save the Children International; former Prime Minister of Denmark

#### Wang Jisi

Member, Foreign Policy Advisory Committee of the Chinese Foreign Ministry; President, Institute of International and Strategic Studies, Peking University

**PRESIDENT'S COUNCIL**

A distinguished group of individual and corporate donors providing essential support and expertise to Crisis Group.

**CORPORATE**

**BP**  
**Shearman & Sterling LLP**  
**Statoil (U.K.) Ltd.**  
**White & Case LLP**

**INDIVIDUAL**

**(5) Anonymous**  
**Scott Bessent**  
**David Brown & Erika Franke**  
**Herman De Bode**

**Stephen Robert**  
**Ludék Sekyra**  
**Alexander Soros**  
**Ian R. Taylor**

**INTERNATIONAL ADVISORY COUNCIL**

Individual and corporate supporters who play a key role in Crisis Group's efforts to prevent deadly conflict.

**CORPORATE**

**Anonymous**  
**APCO Worldwide Inc.**  
**Atlas Copco AB**  
**Chevron**  
**Edelman UK**  
**Eni**  
**HSBC Holdings Plc**  
**MetLife**  
**Noble Energy**  
**RBC Capital Markets**  
**Shell**

**INDIVIDUAL**

**(3) Anonymous**  
**Mark Bergman**  
**Stanley Bergman & Edward Bergman**  
**David & Katherine Bradley**  
**Eric Christiansen**  
**Sam Englehardt**  
**The Edelman Family Foundation**  
**Seth & Jane Ginns**  
**Ronald Glickman**  
**David Harding**  
**Geoffrey R. Hogue & Ana Luisa Ponti**  
**Geoffrey Hsu**  
**David Jannetti**

**Faisal Khan**  
**Cleopatra Kitt**  
**Michael & Jackie Lambert**  
**Samantha Lasry**  
**Leslie Lishon**  
**Malcolm Hewitt Wiener Foundation**  
**The New York Community Trust – Lise Strickler & Mark Gallogly Charitable Fund**  
**The Nommontu Foundation**  
**Brian Paes-Braga**  
**Kerry Propper**  
**Duco Sickinghe**  
**Nina K. Solarz**  
**Clayton E. Swisher**  
**Enzo Viscusi**

**AMBASSADOR COUNCIL**

Rising stars from diverse fields who contribute their talents and expertise to support Crisis Group's mission.

**Amy Benziger**  
**Tripp Callan**  
**Kivanc Cubukcu**  
**Matthew Devlin**  
**Victoria Ergolavou**  
**Noa Gafni**  
**Christina Bache**  
**Lynda Hammes**  
**Jason Hesse**  
**Dali ten Hove**

**Lindsay Iversen**  
**Azim Jamal**  
**Arohi Jain**  
**Christopher Louney**  
**Matthew Magenheimer**  
**Madison Malloch-Brown**  
**Megan McGill**  
**Hamesh Mehta**  
**Tara Opalinski**  
**Perfecto Sanchez**

**Nidhi Sinha**  
**Chloe Squires**  
**Leeanne Su**  
**Bobbi Thomason**  
**AJ Twombly**  
**Dillon Twombly**  
**Annie Verderosa**  
**Zachary Watling**  
**Grant Webster**

**SENIOR ADVISERS**

Former Board Members who maintain an association with Crisis Group, and whose advice and support are called on (to the extent consistent with any other office they may be holding at the time).

**Martti Ahtisaari**  
 Chairman Emeritus

**George Mitchell**  
 Chairman Emeritus

**Gareth Evans**  
 President Emeritus

**Kenneth Adelman**  
**Adnan Abu-Odeh**  
**HRH Prince Turki al-Faisal**  
**Óscar Arias**  
**Ersin Arioglu**  
**Richard Armitage**  
**Diego Arria**  
**Zainab Bangura**  
**Shlomo Ben-Ami**  
**Christoph Bertram**  
**Alan Blinken**

**Lakhdar Brahimi**  
**Kim Campbell**  
**Jorge Castañeda**  
**Naresh Chandra**  
**Eugene Chien**  
**Joaquim Alberto Chissano**  
**Victor Chu**  
**Mong Joon Chung**  
**Pat Cox**  
**Gianfranco Dell'Alba**  
**Jacques Delors**  
**Alain Destexhe**  
**Mou-Shih Ding**  
**Uffe Ellemann-Jensen**  
**Gernot Erler**  
**Marika Fahlén**  
**Stanley Fischer**  
**Carla Hills**

**Swanee Hunt**  
**Aleksander Kwasniewski**  
**Todung Mulya Lubis**  
**Allan J. MacEachen**  
**Graça Machel**  
**Jessica T. Mathews**  
**Barbara McDougall**  
**Matthew McHugh**  
**Miklós Németh**  
**Christine Ockrent**  
**Timothy Ong**  
**Olara Otunnu**  
**Lord (Christopher) Patten**  
**Victor Pinchuk**  
**Surin Pitsuwan**  
**Fidel V. Ramos**